



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Applied Sociology

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 35, Issue 2, No.94, Summer 2024, pp 69-100

Received: 29.12.2023 Accepted: 18.06.2024

Research Paper

Understanding Beneficiaries' Experience of the Privatization Process in Iran

Shaho Rastegari

Ph.D. Student of Sociology of Iran's Social Issues, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Kashan University, Kashan, Iran
shahorastegari@gmail.com

Asadollah Baba'iefard* 

Associate professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Kashan University, Kashan, Iran
Babaiefard@kashanu.ac.ir

Mohsen Niazi

Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Kashan University, Kashan, Iran
Niazim@kashanun.ac.ir

Introduction:

In economic policy literature, privatization is often proposed as a solution to increase the productivity of state-owned enterprises, reduce their financial burden on the national budget, and empower the private sector. The rationale is that this would, in the long run, improve the business environment, drive GDP growth, and enhance socio-economic indicators for society. Evaluation of the results from implementing this policy in Iran and the underlying causes has long been contentious. This research aimed to provide a more realistic portrayal of the experiences and circumstances faced by those impacted by privatization in Iran's large state-owned companies in contrast to the dominant narrative promoted by those in power. Additionally, it sought to use these narratives to critically evaluate social policies and power dynamics.

Materials & Methods:

This qualitative study employed a grounded theory research method to examine the lived experiences of Iranian labor and production society activists, including private sector activists, public sector bureaucrats, and labor organization members, regarding the process of privatization. The data collection method was theoretical sampling through semi-structured interviews with 31 participants. Theoretical saturation was achieved not only through the repetition of categories and concepts, but also via the enrichment of categories and strengthening of relationships between them. By conducting the interviews and extracting the key concepts, a richer and more comprehensive understanding of the relevant categories was developed. Additionally, the relationships between categories were strengthened in a way that contributed to the theoretical saturation process.

Discussion of Results & Conclusion:

The findings of this study revealed that the participants' evaluations of the privatization process could be categorized into 3 main themes: causal conditions, contextual conditions, and intervening conditions. The causal conditions identified included government bloat, insufficient oversight, lack of transparency, and an unfavorable business environment. The contextual conditions encompassed the lack of meritocracy in management, planning crises, and ascendancy of unproductive sectors. The intervening conditions emphasized issues, such as wrong attitudes towards privatization, distress of the private sector, and paradox of competing interests. In terms of strategies, the study suggested macro-level reforms, such as restructuring the country's budgeting system, depoliticizing the capital allocation process, accelerating democratization, and pursuing a developmental foreign

* Corresponding author

Rastegari, Sh., Baba'iefard, A., & Niazi, M. (2024). Understanding beneficiaries' experience of the privatization process in Iran. *Journal of Applied Sociology*, 35(2), 69-100. <https://doi.org/10.22108/jas.2024.140172.2458>



policy. At the micro level, the strategies included injecting meritocracy, strengthening the social safety net, reforming the business climate, and restoring public trust. The findings also highlighted the significant political, social, and economic consequences of the privatization process. Consistent with Zakari's (2021) research, the results indicated that the privatization often empowered the minority elite, who wielded power in the economic and political structures. As owners of the privatized companies, this group sought to maintain their monopolies and resist progress towards greater democratization, transparency, and optimal taxation policies

as these would threaten their class interests. In many cases, the pursuit of privatization based on a Washington Consensus-style understanding had benefited a few at the expense of the many, widening the gap between the affluent and the poor. Furthermore, commercial interests and values had often overridden concerns related to the environment, democracy, human rights, and social justice.

Keywords: Privatization, Social Effects, Grounded Theory, Work and Production Society, Lived Experience.




مقاله پژوهشی

درک تجربه‌ی ذی‌نفعان از فرایند خصوصی‌سازی در ایران

شاهو رستگاری، دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

shahorastegari@gmail.com

اسدالله بابایی‌فرد* ، دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

babaiefard@kashanu.ac.ir

محسن نیازی، استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

niazim@kashanun.ac.ir

چکیده

در پژوهش‌های سیاست‌گذاری اقتصادی، خصوصی‌سازی راه‌حلی در جهت افزایش بهره‌وری بنگاه‌های اقتصادی دولتی، کاهش فشار مالی آنها بر بودجه کشور و توانمندسازی بخش خصوصی است که در طولانی‌مدت به بهبود فضای کسب و کار، رشد تولید ناخالص داخلی و ارتقای شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی جامعه کمک می‌کند. ارزیابی نتایج پیاده‌سازی این سیاست در ایران و علل مترتب بر آن، همواره مورد مناقشه بوده است. این پژوهش درک تجربه‌ی زیسته‌ی کنشگران جامعه کار و تولید ایران (فعالان بخش خصوصی، بوروکرات‌های بخش دولتی و فعالان جامعه کارگری) را از فرایند خصوصی‌سازی بررسی کرده است. این پژوهش از نوع کیفی، با روش تحقیق نظریه‌ی زمینه‌ای بوده است. روش نمونه‌گیری نظری و تکنیک اشباع نظری مصاحبه با ۳۱ نفر بوده است. نتایج به دست آمده نشان داد ارزیابی جامعه مخاطب از خصوصی‌سازی در سه دسته‌ی علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر طبقه‌بندی شده است. شرایط علی عبارت‌اند از: فریبگی دولت، نظارت ناکافی، قانون‌گریزی، نبود شفافیت و فضای نامناسب کسب و کار. شرایط زمینه‌ای شامل فقدان شایسته‌سالاری در مدیریت، بحران برنامه‌ریزی و استیلای بخش نامولد است. شرایط مداخله‌گر نیز بر مقوله‌هایی نظیر نگرش اشتباه به خصوصی‌سازی، فلاکت بخش خصوصی و پارادوکس منافع تأکید می‌کند. استراتژی‌های کلان شامل اصلاح ساختار بودجه‌ریزی کشور، سیاست‌زدایی از فرایند تخصیص سرمایه در اقتصاد، تسریع دموکراتیزاسیون و سیاست خارجی توسعه‌گراست و استراتژی‌های سطح خرد مؤلفه‌هایی نظیر تزریق شایسته‌سالاری، تأمین اجتماعی مؤثر، اصلاح محیط کسب و کار و احیای اعتماد عمومی را در بر می‌گیرد. پیامدها هم بر سه پیامد مهم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تمرکز می‌کند.

واژه‌های کلیدی: خصوصی‌سازی، تأثیرات اجتماعی، گراند تئوری، جامعه کار و تولید، تجربه زیسته

* نویسنده مسؤل:

رستگاری، شاهو؛ بابایی‌فرد، اسدالله. و نیازی، محسن. (۱۴۰۳). درک تجربه‌ی ذی‌نفعان از فرایند خصوصی‌سازی در ایران. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۵(۲)، ۶۹-۱۰۰.

<https://doi.org/10.22108/jas.2024.140172.2458>



مقدمه و بیان مسئله

طی سه دهه اخیر، شکل‌گیری فرایندی آنتاگونیستی، سپهر اقتصاد سیاسی جامعه ایران را در درون شکاف‌های جدیدی تحت تأثیر قرار داده است، به طوری که با بازسازی ساختار قدرت، سلسله‌مراتب متناظر با آن را مفصل‌بندی کرده است. از یک سو، گسترش وجوه عملیاتی-تجویزی آموزه‌های برنامه‌نویس‌های شامل برنامه‌های تعدیل ساختاری، خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی از روند انباشت سرمایه، تضعیف نیروی کار (تشکل‌زدایی و سرکوب دستمزد و موقتی‌سازی قراردادهای کار) و عقب‌نشینی دولت از وظایف اجتماعی (بهداشت و آموزش) در دستور کار قرار گرفته است و از سوی دیگر، فریگی انحصارات فرادولتی با تعمیق اقتدار نهاد‌های وابسته در معادلات قدرت سیاسی را شاهد هستیم که به ترسیم وضعیتی دوگانه منجر شده است. این دو وضعیت عبارت است از: اقتصادی با بسیاری از مختصات نئولیبرالی، اما تا حدود زیادی در زیر سلطه اقتدار انحصارات بزرگ. اطلاق نسبت نئولیبرالیسم به برنامه‌های اقتصادی کشور، همواره محل اختلاف بوده است (مالجو، ۱۳۹۴: ۲). با وجود این، اگرچه امروزه بسیاری از صاحب‌نظران و فعالان سیاسی و اقتصادی به‌درستی بر ناکارآمدی بالای نظام سیاست‌گذاری در ایران تأکید دارند، چه‌بسا بسیاری از توصیه‌هایی که برای بهبود وضع حکمرانی و ارتقای کارآمدی پیشنهاد می‌شود، خود از عوامل ناکارآمدی‌های فعلی است که در ساختارهای اقتصادی و سیاسی نظیر ایران، تأثیر منفی مضاعفی داشته است (امیدی، ۱۳۹۹).

از اوایل دهه ۱۹۸۰، خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی، بخش مهمی از دستور کار سیاسی بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بوده است (Arocena & Oliveros, 2012). خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی (SOE) بیشتر یک جزء از جهت‌گیری مدیریت عمومی جدید (NPM) حکمرانی است که در دستور کار بسیاری از کشورها در سراسر جهان غرب صنعتی، از جمله انگلستان، اروپا، ایالات متحده، کانادا، استرالیا و نیوزلند قرار گرفته است (Diefenbach, 2009). انگیزه

دولت‌ها برای انجام خصوصی‌سازی، طیف متنوعی از اهداف اقتصادی، سیاسی و مالی را در بر می‌گیرد (Meggison & Netter, 2001). مصداق ماهیت مجادله‌برانگیز این بحث، در تلاش گسترده محققان برای ارزیابی سود یا زیان مالی و کارایی ناشی از خصوصی‌سازی مشاهده می‌شود. با این حال ممکن است که بهبود کارایی شرکت‌های دولتی، که احتمالاً ناشی از خصوصی‌سازی است، هدف نهایی این تلاش‌ها نباشد. واضح است که مسئله کارایی، بیشتر از آنکه موضوعی درباره کاربرد عملی یک نظریه اقتصادی باشد، یک پیروزی در بستر مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک است (Letza et al., 2004: 160).

آلستون^۱ (2018)، گزارشگر سازمان ملل، استدلال می‌کند که خصوصی‌سازی عمدتاً به‌عنوان راه‌حلی فنی برای مدیریت منابع و کاهش کسری بودجه ارائه می‌شود، اما در حقیقت بخش جدانشدنی از یک فلسفه اقتصادی و اجتماعی حکمرانی است. خصوصی‌سازی در بیشتر مواقع مستلزم حذف نظام‌مند حفاظ‌های حقوق بشری و به حاشیه راندن منافع کم‌درآمدها و کسانی است که در فقر زندگی می‌کنند. روشن است که سازوکارهای پاسخگویی موجود حقوق بشری، برای بررسی چالش‌هایی کافی نیست که خصوصی‌سازی گسترده و در مقیاس بزرگ پدید آورده است. برخی کشورها با بازننگری بنیادین در روند خصوصی‌سازی، در حال بازواگذاری خدمات اساسی نظیر انرژی، آموزش، بهداشت، حمل‌ونقل، خدمات اجتماعی به بخش عمومی‌اند.

ایران نیز جزء کشورهای متأخری است که از اواخر دهه ۶۰، خط‌مشی مذکور را در صنایع و بخش‌های گوناگون خود پیاده‌سازی کرده است؛ اما نتایج بررسی‌ها و گزارش‌های گوناگون از خصوصی‌سازی در ایران، از عملکرد ضعیف آن حکایت می‌کنند (عظیمی و دیگران، ۱۳۹۸). این روند در نبود زیرساخت‌های مناسب به هدف خود، که افزایش کارآمدی و کاهش بار دولت بود، نرسید. پیامد ناخواسته این روند،

¹ Alston

خصوصی، ۳ هزار میلیارد تومان بوده است که این مقدار در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۰ چهل برابر شده و به بیش از ۱۲۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.

افزایش فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر کارگران و رشد طبقه‌ای از رانت‌خواران بود. براساس آمار منتشرشده از مرکز پژوهش‌های مجلس در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۸۴، ارزش دارایی‌های واگذارشده از بخش دولتی به بخش

جدول ۱- عملکرد سازمان خصوصی‌سازی در انواع روش‌های واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی به قیمت‌های جاری (هزار میلیارد ریال)

Table 1 - The performance of the privatization organization in various methods of transferring the shares of state-owned enterprises at current prices (thousands of billions of Rials)

عنوان / سال	۱۴۰۱	۱۴۰۰	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۸۰-۱۳۹۳
فروش سهام به عموم	۱۴۲۶,۳	۰,۰	۴۷۱,۸	۳۲,۲	۳,۷	۱۰,۷	۲۹,۹	۲۶,۲	۷۵۷,۷
رد دیون	۱۴۸۰,۵	۸۲۳,۹	۷۵۳,۶	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۱۹,۰	۱,۲	۲۸۹,۲
سهام عدالت	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۲۶۶,۴
مجموع ارزش فروش	۲۹۰۶,۸	۸۲۳,۹	۱۲۲۵,۳	۳۲,۲	۳,۷	۱۰,۷	۴۸,۹	۲۷,۳	۱۳۱۳,۳
درصد از کل واگذاری	۴۵,۵	۱۲,۹	۱۹,۲	۰,۵	۰,۱	۰,۲	۰,۸	۰,۴	۲۰,۵

منبع: شاه‌منصوری (۱۴۰۰)

شرکت‌ها پرنرنگ‌تر از دیگر شرکت‌ها بوده است و هرکدام از این شرکت‌ها در دهه‌های اخیر، بین وضعیت نیمه‌تعطیل و فعالیت کامل در نوسان بوده‌اند. در این بین، بخشی از ۴۹ شرکتی نیز که در حال فعالیت مطلوب‌اند، به پشتوانه‌ی مالی هلدینگ یا نهادی که به آن وابسته‌اند، متکی‌اند یا فی‌نفسه بازار انحصاری و مناسبی دارند. حداقل در ۶۲ شرکت، مشکلات جدی کارگری گزارش شده است. این مشکلات کارگری شامل تعدیل شدید نیرو، اخراج جمعی کارگران، پرداخت نکردن دستمزد کارگران برای ماه‌های پیاپی و مشکلات قراردادی می‌شود.

روند موقتی‌سازی شغلی طی دو دهه‌ی اخیر در ایران و برخی دیگر از کشورهای خاورمیانه، روند به‌مراتب شدیدتری نسبت به کشورهای اروپایی داشته است. موقتی‌سازی شغلی یکی از مهم‌ترین سازوکارهای بازار آزاد در راستای تشکل‌زدایی و به‌تبع آن، بی‌صداکردن نیروی کار در مناسبات سیاست‌گذاری است. در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد نیروی کار شاغل در بخش خصوصی ایران، در قالب قراردادهای موقت کمتر از یک سال مشغول به کارند (ILO, 2015: 36). نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت است، این است که تجربه‌ی

در سال‌های اخیر، تجربه‌ی خصوصی‌سازی در شرکت‌هایی مانند نیشکر هفت‌تپه، آلومینیوم المهدی، ماشین‌سازی تبریز، آذرباب، هپکو، ماشین‌سازی و ... نه تنها موفق نبوده است، به یک مسئله‌ی مهم در حوزه‌های اقتصاد، سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت ملی تبدیل شده است که مصادیق آن در تعطیلی واحد تولیدی، بیکاری کارگران، تعدیل نیرو و کاهش تولید، تجمع‌های کارگری و بحران‌های مالی و اجتماعی دیده می‌شود و این یعنی مسیر خصوصی‌سازی و روندهای اجرایی آن، به بازننگری و اصلاح نیاز دارند. مساعد (۱۳۹۷) در گزارشی با عنوان «زمستان خصوصی‌سازی» درباره‌ی سرنوشت صد شرکت نخست دولتی واگذارشده به بخش خصوصی، نشان می‌دهد برخلاف ادعای مدافعان خصوصی‌سازی در طول سه دهه‌ی گذشته، شرکت‌های دولتی واگذارشده به سمت پویایی و سودآوری حرکت نکرده‌اند. از میان صد شرکت بررسی‌شده، ۱۶ شرکت یا به‌کلی تعطیل شده‌اند یا در عمل تعطیل‌اند، ۶ شرکت در وضعیت نیمه‌تعطیل به سر می‌برند و فعالیت خاصی ندارند و ۲۹ شرکت دیگر نیز دچار مشکلات جدی‌اند. این مشکلات که شامل تولید با ظرفیت کمتر از توان بالقوه، کاهش تولید، مشکلات بازار و ... می‌شود، در این

خود را بیان کنند و حمایت‌های بیشتری برای احقاق حقوق خود به دست آورند. استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد، این امکان را مهیا می‌کند که موضوع خصوصی‌سازی در بستر یک فرایند و شرایط مؤثر بر آن، کنش تعامل افراد درگیر و پیامدهای آن، اعم از افراد درگیر خصوصی‌سازی و دولت دیده شود. تمرکز این پژوهش بر درک تجربه خصوصی‌سازی از طریق مصاحبه و کسب تجربه مشارکت‌کنندگان، مشاهده میدانی و بررسی اسناد و مدارک احتمالی است.

مرور پیشینه تجربی

پژوهش‌های داخلی

آیت (۱۴۰۰) در پژوهش «خصوصی‌سازی در ایران: روایتی عبرت‌آموز مبتنی بر راه‌حل خروج»، با رویکرد مردم‌نگاری انتقادی کارسیپکن^۱ (1996)، عملکرد یکی از شرکت‌های تولید خصوصی‌سازی و واگذار شده براساس اصل ۴۴ قانون اساسی را به‌طور عمیق بررسی کرده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که در هنگام بروز بحران در اثر سوء مدیریت مبتنی بر منافع خاص غیرتولیدی مالکان جدید نیز، برخی سازمان‌ها نه تنها کمکی به حل بحران نمی‌کنند، ابعاد بحران را نیز تشدید می‌کنند و عملاً خود به عاملی برای افزایش تنش بین سازمان‌های دخیل در بحران و به منبع چالش درون شرکت بحران‌زده تبدیل می‌شوند.

غفاری و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر دولت رانتیر بر فرایند خصوصی‌سازی؛ مطالعه موردی ایران بعد از انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۹۷)»، بر این باورند که دولت رانتیر در ایران پس‌انقلاب از طریق دو مؤلفه افزایش حجم بودجه عمومی دولت و افزایش مقررات‌گذاری در تلفیق با اصل ۴۴ قانون اساسی، اندازه دولت در اقتصاد را بزرگ کرده و در نتیجه به ناکامی در خصوصی‌سازی منجر شده است. آنان جایگزین کردن درآمدهای مالیاتی به جای درآمدهای نفتی و نیز تجدیدنظر در روش‌های خصوصی‌سازی را پیشنهاد می‌دهند.

خصوصی‌سازی در بخش‌ها و قسمت‌های مختلف اقتصادی جامعه، به یک اندازه نبوده است. بعضی از شرکت‌ها در این بین موفق عمل کردند و برخی دیگر تجربیات دردناکی داشتند. هیکوی اراک که یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های تولیدی ماشین‌آلات سنگین در کشور و خاورمیانه فعالیت می‌کرد، در سال‌های پس از خصوصی‌سازی دچار مشکلات عدیده‌ای شد. کاهش خط تولید و به تبع آن کاهش میزان فروش کارخانه، آن را تا حد ورشکستگی برد. هیئت‌مدیره جدید دست به کاهش خط تولید و به تبع آن اخراج و بیکارکردن کارگران زد؛ سپس شهر اراک چهره‌ای امنیتی به خود گرفت و پس از آن در چند مقطع، شاهد حضور کارگران و خانواده‌های معترض آنان به این وضعیت بود. وضعیت در هفت‌تپه، بسیار وخیم‌تر بود. پس از واگذاری این شرکت از بخش دولتی به بخش خصوصی، شاهد اعتراضات گسترده کارگری در برخی از شهرهای استان خوزستان بودیم. کارگران فولاد خوزستان نیز در حمایت از کارگران هفت‌تپه به آنان پیوستند و فضای رسانه‌ای داخل و خارج از کشور، به رصد و پیگیری تحولات سیاسی متأثر از این اعتراضات تمرکز کرد.

این پژوهش قصد دارد با تحلیل تجارب ذی‌نفعان در مواجهه با خصوصی‌سازی در شرکت‌های بزرگ دولتی ایران، از یک‌سو تصویری واقع‌گرایانه‌تر از زندگی و موقعیت این گروه‌ها را ارائه کند (در مقابل روایت هژمون‌شده قدرت) و از سوی دیگر، از این روایت‌ها برای ارزیابی سیاست‌های اجتماعی و نقد مناسبات قدرت بهره‌گیرد. بررسی، درک، تفسیر و فهم تجربه خصوصی‌سازی، آن‌طور که تمام ذی‌نفعان مطالعه‌شده روایت می‌کنند، در ابعاد مختلف شکل مدنظر است تا از این رهگذر، فهم فرایند شکل‌گیری تجربه خصوصی‌سازی مهیا شود که به سبب حجم درخور توجه آسیب‌ها وارد می‌شود و تلاش افراد برای جبران خسارت و بازگشت به وضعیت پیش از خصوصی‌سازی، هنوز در جریان است. کارگرانی در تعامل با الگوهای قدرت و در جریان روابط اجتماعی با دیگر ذی‌نفعان، در تلاش‌اند تا وضعیت

¹ Carspecken

توسعه یافته است و در مقابل، بخش خصوصی اقتصاد از زمینه‌های محدودی برای مالکیت، انباشت سرمایه، رشد و ایفای نقش در ساخت قدرت اقتصاد سیاسی و فرایند توسعه ایران برخوردار بوده است. رساله با نقد ماهیت تقلیل‌گرایانه پژوهش موجود و به‌ویژه با صورت‌بندی یک رهیافت نظری جدید (با عنوان رهیافت پارادایم قدرت) نشان می‌دهد که چگونه فهم ماهیت و منطق درونی گرایش نخبگان مسلط در پارادایم‌های قدرت پهلوی و جمهوری اسلامی، به توسعه سرمایه‌داری دولتی و توسعه نیافتن بخش خصوصی اقتصاد، بدون توجه به فرایند تاریخی تکوین، تکامل و تعیین با استقرار این پارادایم‌های قدرت در جامعه و به‌ویژه ماهیت نظم مدنظر آنها در حوزه انباشت، هژمونی، هویت و مشروعیت (به‌مثابه علیت‌های ساختی یا هسته مرکزی و سخت این پارادایم‌های قدرت) ممکن نیست.

پژوهش‌های خارجی

ژین و تان^۱ (2021) آثار خصوصی‌سازی را بر کیفیت زیست‌محیطی و رفاه اجتماعی، در پژوهشی با عنوان «یک بازی دومرحله‌ای؛ از انحصار دوجانبه آلوده‌کننده با در نظر گرفتن مالیات زیست‌محیطی برون‌زا» بررسی کرده‌اند. آنها بیان می‌دارند که وقتی دولت مالیات زیست‌محیطی برون‌زا را بر آلودگی وضع می‌کند، هم شرکت دولتی و هم شرکت خصوصی، از فناوری تولید پاک‌تر برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای استفاده می‌کنند. عمدتاً شرکت عمومی، کمتر به محیط‌زیست اهمیت می‌دهد، اما خصوصی‌سازی هم عملکرد شرکت‌ها و هم محیط‌زیست را بهتر می‌کند.

احمد و کوهن^۲ (2019) در مقاله‌ای با عنوان «نگرش‌ها و رویکردهای ذی‌نفعان در جریان خصوصی‌سازی»، تجارب زیسته و نحوه مواجهه ذی‌نفعان خصوصی‌سازی در صنعت برق کشور نیوزیلند را بررسی کرده‌اند و با بهره‌گیری از رویکرد

قریشی خوراسگانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی، محتوای مقالات حوزه خصوصی‌سازی آموزش عالی را در مجلات علمی کشور در بازه زمانی ۹۵-۱۳۷۰ بررسی کرده‌اند. از بین آثار مثبت خصوصی‌سازی، به ترتیب مقوله‌های کسب درآمد توسط دانشگاه‌ها، تنوع‌بخشی به آموزش عمومی، صرفه‌جویی در هزینه‌ها و کاهش فشار مالی دولت، رشد کمی آموزش عالی و همچنین جلوگیری از تمرکزگرایی و افزایش مشارکت مردم در امور مختلف، بالاترین ضریب اهمیت را داشته است. از بین آثار منفی خصوصی‌سازی، به ترتیب مقوله‌های افزایش دانش‌آموختگان بیکار، کاهش کیفیت فرایند آموزش، طبقاتی‌شدن آموزش به نفع طبقات بالای جامعه، رشد کمی مراکز خصوصی‌سازی آموزش عالی، مدرک‌گرایی و تقلب و فساد آموزشی، به‌علاوه مشکلات ساختاری در راه‌اندازی دانشکده‌های خصوصی اشاره می‌شود.

مؤمنی و حاجی‌نوروزی (۱۳۹۵) در مقاله «اقتصاد سیاسی خصوصی‌سازی همراه با فساد، با استفاده از رویکرد نورث، والیس و وینگاست» نشان دادند که چگونه روند خصوصی‌سازی در دولت‌های از نوع طبیعی، با روال دسترسی محدود و اقتصاد رانتی از مسیر خود منحرف می‌شود. دولت‌های رانتی از طریق کاهش مطلوبیت محیط کسب و کار، برای حضور قدرتمند بخش خصوصی واقعی مانع‌تراشی می‌کنند و بر افزایش بهره‌وری و سلامت مالی تأثیر منفی می‌گذارند. خصوصی‌سازی در کشورهایی با نظم دسترسی محدود و اقتصاد رانتی، باعث می‌شود که میزان پاسخگویی بخش خصوصی به توده مردم کاهش پیدا کند و انحصار اقشار فرادست دولتی بر منابع مالی فرودستان جامعه افزایش یابد.

ستاری (۱۳۸۹) در رساله دکتری خود با موضوع «اقتصاد سیاسی خصوصی‌سازی در ایران معاصر»، بر این باور است که درک ماهیت و علل اقتصاد سیاسی توسعه‌نیافتگی خصوصی‌سازی، منوط به درک فرایند تاریخی مستمری است که طی آن هسته در حال گسترش سرمایه‌داری دولتی، همچنان در تاریخ معاصر ایران به شکل حادی بازتولید و

¹ Xing & Tan

² Ahmed and Cohen

سیاستی موجود در نظام حکمرانی کشور در زمینه خصوصی‌سازی مبتنی بر فرایندهای دستوری، از بالا به پایین بوده و نتوانسته‌اند ابعاد دقیقی از چستی روند و تجربه زیسته ذی‌نفعان این فرایند را تشریح کنند و در نتیجه، سیاست‌هایی اعمال شد که به کاهش پایداری اجتماعی و ایجاد بحران‌های شهری در برخی از مناطق منجر شد. این پژوهش در پاسخ به این خلأ پژوهشی، در صدد است تا با کاربست نظریه زمینه‌مند، بستر کنش‌ورزی ذی‌نفعان، استراتژی‌ها و پیامدهای مترتب بر این نوع سیاست‌گذاری را تحلیل کند.

زمینه مفهومی

از خصوصی‌سازی با تعاریف و تعابیر مختلفی یاد شده است. تعریف عام خصوصی‌سازی عبارت است از: انتقال مالکیت یک بنگاه از تملک دولت به بخش خصوصی که به‌طور کامل یا بخشی از آن باشد (Vaddie et al., 2016: 23). در چهار دهه گذشته، از طریق فروش شرکت‌های دولتی، دولت‌ها در سراسر جهان حدود ۳٫۵ تریلیون دلار جمع‌آوری کرده‌اند (Megginson, 2017). رادیچ و دیگران^۲ (2021) بر این باورند که خصوصی‌سازی بر این فرض تئوری اقتصاد خرد استوار شده است که تغییر از مالکیت دولتی به خصوصی، به مدیریت کارآمدتر منابع موجود منجر می‌شود. این واگذاری‌ها تا حد زیادی براساس این فرض عمومی استوار بودند که «دولت مالک بد است» و در نتیجه تغییر از مالکیت عمومی به خصوصی به افزایش بهره‌وری منجر می‌شود (Megginson & Netter, 2001). با این حال، به نظر می‌رسد ارائه‌نکردن نتایج مورد انتظار در برخی موارد و دیدگاه متفاوت‌تر درباره مالکیت دولتی که پژوهش‌های جدید آن را ارائه کرده‌اند، این فرض را به چالش می‌کشد و بازنگری این پژوهش را می‌طلبد. چند نظریه در این زمینه وجود دارد:

تئوری حقوق مالکیت

فرایندی و توجه به ارتباط زمانی بین رویدادها در فاصله زمانی ژانویه ۲۰۱۳ تا دسامبر ۲۰۱۴، اسنادی نظیر روزنامه‌ها، گزارش‌های دولتی و جلسات برگزار شده را مدنظر قرار داده‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که دولت با برجسته‌سازی ابعاد قدرت، مشروعیت و فوریت، قوانین بازی را در طول فرآیند خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی تعیین و برنامه‌های خود را بدون توجه به مخالفت بسیاری از شهروندان به پیش می‌راند.

استرین و پیلتیتر^۱ (2018) در پژوهشی با عنوان «خصوصی‌سازی در کشورهای در حال توسعه: درس‌های اخیر چیست؟» شواهد تجربی اخیر درباره خصوصی‌سازی در کشورهای در حال توسعه را مرور می‌کنند. آنها به این نتیجه می‌رسند که در حال حاضر، ارزیابی محتاطانه‌ای از خصوصی‌سازی وجود دارد و خصوصی‌سازی به‌تنهایی برای تولید خودکار منافع اقتصادی در اقتصادهای در حال توسعه، کافی نیست. موفقیت خصوصی‌سازی در این کشورها، منوط به وجود پیش‌شرط‌هایی مناسب از جمله زیرساخت‌های نظارتی قوی است.

جمع‌بندی پیشینه تجربی

بررسی پیشینه تجربی نشان داد که بیشتر مطالعات انجام‌شده در زمینه خصوصی‌سازی، بیشتر در قالب پژوهش‌ها و مقالات مرتبط با رشته‌هایی نظیر اقتصاد، مدیریت و مهندسی صنایع‌اند که در بیشتر مواقع از روش‌های کمی و آماری در راستای تبیین خصوصی‌سازی بر متغیرها و مؤلفه‌های اقتصادی نظیر مدیریت عملکرد، رشد اقتصادی (اسکندریون، ۱۳۸۴)، بهبود کارایی و کیفیت حکمرانی (Reinsberg et al., 2019)، فساد (مؤمنی و حاجی‌میرزایی، ۱۳۹۵) استفاده کرده‌اند. در حالی که این مقاله پاسخی به فقدان یک پژوهش کیفی مبتنی بر مصاحبه عمیق و روش داده‌بنیاد درباره موضوع خصوصی‌سازی است که کمتر در رشته جامعه‌شناسی اقتصادی به آن توجه شده است. پژوهش‌های انجام‌شده پیشین و رویکردهای نظری-

² Radic et al.

¹ Estrin & Pelletier

یک کسب و کار رسمی تمرکز می‌کند (Muogbo, 2013). سرمایه‌گذاران و سهامداران به بازدهی سرمایه‌گذاری خود علاقه دارند، از این رو دارای منافع ویژه‌ای در سرمایه‌گذاری و عملکرد شرکت‌اند، در حالی که مدیران از یک سو می‌خواهند از شغل خود محافظت کنند و از سوی دیگر، در پی کسب مزایای مدیریتی برای عملکرد خوب خود هستند. مدیران (با هدف حداکثرکردن ثروت سهامداران) همواره باید تعادلی را بین علایق مختلف سهامداران برقرار کنند تا هم فرصت‌های سودآور سرمایه‌گذاری را از دست ندهد باشند و هم سود نقدی مورد نیاز بعضی از سهامداران را پردازند. بنابراین تصمیمات تقسیم سود که از سوی مدیران شرکت‌ها گرفته می‌شود، بسیار حساس است و اهمیت دارد (مهرانی و تالانه، ۱۳۷۷). کسب حق مالکیت به‌وسیله مدیران و نظارت از سوی سهامداران بزرگ، دو راهی است که به شکل بالقوه، مشکلات نمایندگی را کاهش و ارزش مؤسسه را افزایش می‌دهد. حق مالکیت اساسی به‌وسیله مدیران، منافع آنها را با منافع دیگر سهامداران هم‌راستا می‌کند؛ به‌طوری که مدیریت محرکی برای دنبال کردن فعالیت‌های حداکثرکننده ارزش دارد. وجود سهامداران عمده و یا مؤسسات سهامدار نیز، میزان نظارت را افزایش می‌دهد یا آن را بهبود بخشد و بنابراین، به عملکرد بهتر مؤسسه منجر می‌شود (Seifret et al., 2004).

دیدگاه مبتنی بر منابع

عامل مزیت رقابتی، منابع و دارایی‌های درونی هر سازمان است و هر سازمان به‌مثابه مجموعه‌ای از منابع منحصر به فرد فرض می‌شود که برخی از این منابع، اساس مزیت رقابتی‌اند. تهیه و حفظ زیرساخت‌های مدرنی که به شرکت مزیت رقابتی می‌دهند، جایگاه مهمی در این نظریه دارد. هرچقدر زیرساخت‌های شرکت قدرتمندتر شوند، امکان دستیابی به مزیت رقابتی، بهبود عملکرد و توسعه شرکت افزایش می‌یابد، این در حالی است که اگر در کنترل بخش عمومی رها شود،

بنیان اصلی این تئوری، این استدلال است که اموال در صورتی به بهترین وجه مدیریت می‌شوند که مالک خصوصی داشته باشند. دارایی‌های عمومی (دولتی) به دلیل این تصور که متعلق به دولت است و انگیزه‌ای برای کسب سود شخصی وجود ندارد، به عملکرد ضعیف و خطر ورشکستگی منجر می‌شود (Carter, 2013). نه‌ری^۱ (2012)، افزایش بهره‌وری و سودآوری مؤسساتی را مشاهده کرد که پس از آزادسازی مالی از کنترل دولت خارج شده و به مالکیت خصوصی درآمده بودند. از نظر نوزیک^۲ (2013)، حقوق مالکیت باید به‌طور مطلق حفظ شود، مشروط بر اینکه این مالکیت به شیوه منصفانه خریداری شده و یا از یک شخص به شخص دیگر منتقل شده باشد.

کارکرد یک نظام رقابتی نه‌تنها نیازمند سازمان‌دهی کافی برخی نهادها از قبیل پول، بازارها و شبکه‌های اطلاعاتی - شرکت‌های خصوصی هرگز برخی از آنها را به‌طور کافی فراهم نمی‌کنند - است، بالاتر از همه، به وجود یک سیستم قانونی مناسب وابسته است که هم از رقابت حمایت و هم آن را تا حد امکان کارساز کند (فون هایک، ۱۳۹۰: ۸۵). آزادی فرد در جامعه مدرن آن‌قدر به این مسئله ارتباطی ندارد که شخص مالک و دارا باشد، بلکه بیشتر مستلزم این است که مالکیت عوامل تولید در انحصار شخص خاصی نباشد و آن‌قدر پراکنده باشد که این قدرت انحصار، مانع از آزادی فعالیت و برآورده کردن نیازهای شهروندان نشود (Hayek, 1960: 287).

طبق این رویکرد، مالکیت خصوصی فقط به این دلیل توجیه‌شدنی است که به نتایج مطلوب و کارایی بیشتر منجر می‌شود. در واقع همین نظریه است که مطلوبیت را تعیین می‌کند. این دیدگاه، دیدگاهی نتیجه‌گراست؛ زیرا تابعی از مطلوبیت است و ضعف بزرگ این نظریه در دفاع از مالکیت خصوصی، معلوم‌نبودن مرجع تأیید مطلوبیت است.

تئوری عاملیت

این نظریه بر روابط مالکان شرکت (سهامداران) و مدیران

¹ Nehri

² Nozik

وابسته است که با واحدها یا واحدهای فرعی دیگر دارد؛ یعنی واحدهایی که بر پیامدهای مطلوبی کنترل دارند که خواسته آن واحد فرعی است. قوت رویکرد اقتضایی این است که مدیران را ترغیب می‌کند تا قبل از تصمیم‌گیری، تفاوت‌های افراد و موقعیت‌ها را بررسی کنند (Durbin, 2012: 37).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با روش تحقیق نظریه‌داده‌بنیاد انجام شده است. در این روش، پژوهشگر کار را با نظریه‌ای شروع نمی‌کند که آن را از قبل در ذهن دارد، بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و اجازه می‌دهد تا نظریه از درون داده‌های کیفی و واقعی پدیدار شود. نظریه‌ای که به این طریق از داده‌ها استخراج شده باشد، احتمالاً بیشتر به واقعیت نزدیک است تا نظریه‌ای که با کنار هم گذاشتن تعدادی مفهوم، تنها بر مبنای حدس و گمان ساخته می‌شود (Corbin & Strauss, 2008). روش گردآوری اطلاعات، میدانی و ابزار گردآوری، مصاحبه بوده و پژوهشگر از مصاحبه عمیق، بدون ساختار مبتنی بر مطالعه اکتشافی بهره گرفته است. تحلیل داده‌ها در این روش، با استفاده از سیستم کدگذاری باز (شناسایی مقوله‌ها)، کدگذاری محوری (پروردن مقوله‌ها) و کدگذاری انتخابی یا گزینشی (انتخاب نهایی مقوله‌ها) انجام خواهد شد.

نمونه‌گیری در پژوهش

در نظریه‌داده‌بنیاد، نمونه‌گیری در آغاز انجام نمی‌شود، بلکه به موازات شناسایی مفاهیم و آشکارشدن نظریه، نیاز به افرادی آشکار می‌شود که فرایند نظریه‌سازی را تقویت می‌کنند. نمونه‌گیری نظری روش مناسبی برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان است (Glaiser & Streuss, 1967). نمونه‌گیری نظری عبارت است از فرایند گردآوری داده‌ها، برای نظریه‌پردازی که از این طریق، تحلیلگر به‌طور هم‌زمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعد جمع‌آوری و از

از اهمیت تقویت زیرساخت پایدار و مؤثر کاسته و در نتیجه باعث می‌شود که شرکت، همان‌طور که در حال حاضر درباره راه‌آهن نیجریه وجود دارد، کمتر رقابتی شود (Omoleke et al., 2011). با توجه به اینکه تاریخ و مشاهدات واقعی نشان می‌دهد که افراد دوست دارند منابع و کالاهای خود را داشته باشند، پس لزوماً باید نتیجه بگیریم که اصل مالکیت در نهاد انسان است. به بیان ارسطو، مالکیت بخشی از قوانین طبیعی است. از این نظر، انکار مالکیت خصوصی، نفی طبع بشر و مخالفت با نظم طبیعی است (Colombatto and Tavormina, 2017: 4-5). تئوری مبتنی بر منابع در تحلیل منابع مزیت رقابتی، دو فرض را می‌پذیرد: ۱) سازمان‌های موجود در یک صنعت یا گروه استراتژیک خاص، از لحاظ منابع استراتژیکی که در اختیار دارند، ناهمگن‌اند و ۲) منابع در میان سازمان‌های فعال در آن صنعت یا گروه استراتژیک، تحرک‌پذیری کاملی ندارد. بنابراین ناهمگنی منابع عمر طولانی دارد.

نظریه اقتضایی

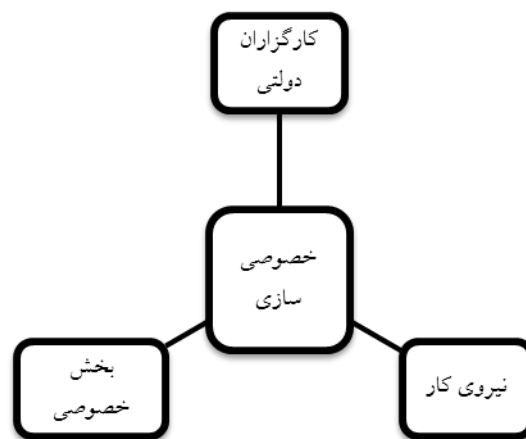
در این نظریه بر اهمیت شرایط و پیشینه فرهنگی، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی و ترتیبات نهادی هر کشور در میزان موفقیت اجرای خصوصی‌سازی تأکید می‌شود. اسمیریچ و استونارت^۱ (1985) استدلال می‌کنند که هر کشوری محیط منحصربه‌فردی از لحاظ تاریخی دارد و برای انجام این کار، مجموعه‌ای از نیروهایی وجود دارد که باید با آنها سازگار، همسو و کنترل شود یا نشود (Carter, 2013). فرض اساسی رویکرد اقتضایی این است که اثربخشی سازمانی با به‌کارگیری بیش از یک روش در دسترس است. دیدگاه اقتضایی به ما می‌گوید آنچه در یک مجموعه جواب می‌دهد، ممکن است در مجموعه دیگر کارایی نداشته باشد و آنچه مدیران در عمل انجام می‌دهند، به مجموعه‌ای از شرایط رخ داده شده در یک موقعیت بستگی دارد (مقیمی، ۱۳۹۴: ۱۳۰). رویکرد اقتضایی دیدگاهی است که رفتار یک واحد فرعی، به روابط محیطی

¹ Smircich & Stubbart

نظری ادامه یافت. از مصاحبه شماره ۲۵ به بعد، تعداد مفاهیم منحصربه‌فرد استخراج‌شده به شدت کاهش یافت و ۲۸ حالت اشباع نظری از مصاحبه ایجاد شد؛ به گونه‌ای که مفهوم جدیدی اضافه نشد و مفاهیم قبلی تکرار شدند. با این حال برای اطمینان بیشتر، ۲ مصاحبه دیگر نیز انجام شد. در نهایت با انجام ۳۱ مصاحبه، فرایند گردآوری داده‌ها خاتمه یافت. شایان ذکر است که در راستای رسیدن به اشباع نظری، علاوه بر تکراری بودن مقوله‌ها و مفاهیم، مسئله «غنی‌تر شدن مقولات» و «استحکام روابط» نیز مشهود بود. با پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و استخراج مفاهیم، تصویر غنی‌تری از مقولات به دست آمد که امکان درک جامع‌تری از مقولات را فراهم آورد. از طرف دیگر، استحکام روابط بین مقولات در مسیری قرار گرفت که به روند اشباع نظری کمک کرد. پس از پیاده‌کردن مصاحبه‌ها، فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. برای اعتباریابی پژوهش هم، از روش کنترل از سوی اعضا و خبرگان حوزه خصوصی‌سازی استفاده شد. پژوهشگر و استاد راهنمای تحقیق، مجدداً تمامی اطلاعات خام، مدارک کتبی و اسناد شفاهی را در راستای اعتباریابی، بازبینی کردند.

کجا پیدا کند تا نظریه‌اش را در حین شکل‌گیری تدوین کند. نظریه در حال تدوین، فرایند گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند (فلیک، ۱۳۸:۱۴۰۱).

نحوه ورود به میدان در این پژوهش، به این گونه بود که با مروری بر پیشینه نظری و تجربی (داخلی و خارجی) و بررسی اسناد و مدارک، مفاهیم حساس و چالش‌های مهم در قالب سؤالات اساسی ملاحظه شد. میدان مطالعه‌شده این پژوهش، خبرگان جامعه کار و تولید (فعالان جامعه کارگری، فعالان بخش خصوصی و کسب و کارهای کوچک و نیز مدیران میانی و کارشناسان بخش دولتی) بودند که در طول دوران کاری خود، مواجهه مستقیمی را با فرایند خصوصی‌سازی تجربه کرده‌اند. این خبرگان با مراجعه به سازمان خصوصی‌سازی، تشکلهای کارگری موجود در کشور و خبرنگاران حوزه کار و تولید انتخاب شدند. حد مکفی نمونه‌گیری نظری، با اشباع نظری حاصل می‌شود؛ به این معنا که به جای جامعه آماری مشخص، تعداد افراد یا گروه‌های مصاحبه‌شده در جریان نمونه‌گیری تغییر می‌کند تا زمانی که اشباع نظری حاصل شود. فرایند مصاحبه با عنایت به روند پژوهش، استخراج داده‌ها و کدگذاری تا رسیدن به اشباع



شکل ۱ - ذی‌نفعان خصوصی‌سازی

Fig 1- Beneficiaries of privatization

میدان مطالعه‌شده این تحقیق، معطوف به فعالان جامعه کار

مشخصات مصاحبه‌شوندگان

و تولید کل کشور است. مصاحبه‌شوندگان به‌لحاظ سنی در رده ۲۸ الی ۶۸ سال قرار می‌گیرند. همچنین آنها به‌لحاظ جنسیتی، مرد و بیشتر متأهل بودند. نمونه‌ها نیز از لحاظ تحصیل و اشتغال در سطوح مختلفی قرار داشتند و در زمرهٔ مطلعان کلیدی بودند. در جدول ۲، مشخصات مصاحبه‌شوندگان آمده است.

جدول ۲- مشخصات پاسخگویان

Table 2- Profile of respondents

کد	نام	سن	نوع فعالیت	سابقهٔ فعالیت (سال)	تحصیلات
۱	امین	۴۲	فعال کارگری	۱۵	کارشناسی
۲	محمد	۳۸	مدیر کارخانه	۱۰	دیپلم
۳	عباس	۶۰	مدیر دولتی	۴۰	ارشد
۴	رضا	۶۲	بازاریاب بخش خصوصی	۳۸	ارشد
۵	احسان	۳۶	رئیس بازاریابی شرکت خصوصی	۲۰	فوق دیپلم
۶	علی	۴۸	فعال کارگری	۱۸	کاردانی
۷	رامین	۳۹	مدیر بخش دولتی	۱۵	ارشد
۸	داوود	۶۲	مدیر پشتیبانی بخش خصوصی	۴۰	کارشناسی
۹	علیرضا	۴۴	فعال کارگری	۲۱	دکتری
۱۰	هامان	۴۰	کارشناس شرکت مهندسی معدن	۱۵	دیپلم
۱۱	سعید	۴۵	مدیرعامل شرکت بیمه	۱۳	دکتری
۱۲	حسن	۶۰	سرکارگر سابق خط تولید	۳۶	ارشد
۱۳	محمدرضا	۵۰	کارشناس موسسه دولتی	۲۲	کارشناسی
۱۴	امیرعلی	۵۹	مدیر مالی کارخانهٔ مواد سلولزی	۳۰	دکتری
۱۵	ناصر	۳۸	نمایندهٔ صنفی کارگران راه‌آهن	۱۵	دیپلم
۱۶	حسین	۲۹	فعال کارگری	۵	ارشد
۱۷	محمد	۲۸	کارشناس دولت	۹	کارشناسی
۱۸	مهدی	۳۰	مهندس عمران در شرکت ساختمانی	۸	ارشد
۱۹	شهرام	۵۲	روزنامه‌نگار حوزهٔ کارگری	۲۷	کاردانی
۲۰	نصرالله	۴۷	حسابدار ارشد شرکت	۲۱	ارشد
۲۱	نعمت	۳۶	فعال کارگری	۱۶	ارشد
۲۲	عبدالله	۶۲	نمایندهٔ کارگران در شوراهای اسلامی کار	۳۴	دیپلم
۲۳	رضا	۵۸	معاون مدیر کل بخش دولتی	۳۰	ارشد
۲۴	سعید	۴۵	مدیرکل سابق بخش دولتی	۲۵	دکتری
۲۵	مجید	۳۵	کارشناس سازمان دولتی	۱۸	کارشناسی
۲۶	شهاب	۵۵	کارشناس بخش دولتی	۳۵	کاردانی
۲۷	مرتضی	۵۰	حسابدار شرکت لابیات	۲۴	کاردانی
۲۸	کامران	۵۳	هیئت‌علمی دانشگاه و عضو هیئت‌مدیرهٔ شرکت قطعه‌سازی	۳۰	دکتری
۲۹	حسن	۶۷	مدیرعامل واحد دولتی	۴۰	ارشد
۳۰	سعید	۵۲	نمایندهٔ کارگران در شورای صنفی کارگران شرکت ماشین‌آلات سنگین	۲۵	ارشد
۳۱	دانا	۳۲	کارشناس حقوقی دولت	۹	کارشناسی

کیفیت و اعتبار نتایج

کیفیت و اعتبار نتایج در روش تحقیق زمینه‌ای، چه از نظر تطابق نتایج تحقیق با واقعیت مطالعه‌شده و بازنمایی دقیق آن (روایی) و چه از نظر قابلیت تکرار و تثبیت نتایج تحقیق (پایایی)، با روش‌های مختلفی تضمین می‌شود. بهره‌گیری از شیوه‌های احصای داده‌های گوناگون، نظیر مصاحبه، مشاهده و تحلیل اسناد و روش‌های تحلیل داده‌های چند مرحله‌ای، مثل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، به این امکان را به محقق داد تا دیدگاه‌های گوناگون افراد درگیر در پدیده بررسی‌شده را درک و نتایج تحقیق را معتبرتر کند. در همین راستا، پژوهشگر با قراردادن نتایج حاصل از پژوهش در اختیار افراد درگیر در تحقیق و نیز متخصصان و خبرگان حوزه خصوصی‌سازی و تأیید نتایج، این اطمینان را کسب کرد که نتایج تحقیق با واقعیت مطابقت دارد. برای نشان‌دادن تکرارپذیر بودن کدهای تکراری، تلاش شد نقل‌قول‌های مختلف از افراد با مشخصات متفاوت سنی، اقتصادی و اجتماعی، در تعیین مقولات اصلی و فرعی لحاظ شود. به‌علت ماهیت انتزاعی تحلیل و تفاوت نظر پاسخگویان (با بافت‌های طبقاتی و شغلی متفاوت)، کدها و مقولات استخراج‌شده از پژوهش را در اختیار سه نفر از پژوهشگران روش زمینه‌مند (در سطح فارغ‌التحصیل مقطع دکتری علوم اجتماعی و مدیریت) قرار گرفت و اجماع نهایی حاصل شد. در انتخاب مصاحبه‌شوندگان نیز، تلاش شد که اصل تنوع آرا با انتخاب از سه طیف مختلف جامعه کار و تولید (فعالان کارگری، مدیران و کارشناسان بخش دولتی و نیز فعالان بخش خصوصی و کسب و کارهای کوچک)، در راستای جمع‌آوری داده‌ها رعایت شود. در این پژوهش، تمامی مراحل و جزئیات آن به شیوه‌ای تشریح شد که دیگر پژوهشگران بتوانند در آینده نسبت به انجام پژوهش‌های مشابه اقدام و نتایج تحقیق را با یکدیگر مقایسه کنند.

تحلیل و تفسیر یافته‌های میدانی

شرایط علی

در این بخش، شرایط علی نگرش فعالان جامعه کار و تولید را به بحث خصوصی‌سازی بررسی کرده‌ایم. بر این اساس از مصاحبه‌شوندگان سؤالاتی نظیر «نگرش شما به بحث خصوصی‌سازی چیست؟» و «چه شرایطی برای موفقیت خصوصی‌سازی در ایران مهم‌اند؟» پاسخ داده‌اند. پس از کدگذاری داده‌ها، مفاهیم استخراج و در قالب پنج مقوله محوری دسته‌بندی شده است.

فربگی دولت

بیشتر نظریاتی (نظریه استبداد شرقی، پاتریمونیالیسم، دولت مطلقه و دولت رانتیر) که در پی تبیین ماهیت دولت در ایران بوده‌اند، همواره بر بزرگ‌بودن اندازه دولت و ساز و برگ‌های اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکش تأکید کرده‌اند. این نظریات با اشاره به ریشه‌های تاریخی این فربگی، بر ماهیت مستقل و فراطبقاتی دولت در ایران، از بابت خاستگاه و ماهیت و همچنین عملکرد و تفاوت آن با جوامع اروپایی اشاره کرده‌اند که این خصیصه در تاریخ معاصر ایران، به دلیل ورود عنصری به نام درآمد‌های نفتی تشدید شده است.

«امروز با یک دولت بزرگ مواجهیم که همه اعتبارات عمومی رو می‌بلعه؛ اما به‌عنوان مثال، آگه سازمان خصوصی‌سازی بخواد یک واحد دولتی را خصوصی کنه و ۱۰ نفر از پرسنل اونو تعدیل کنه، یک سری از افراد و جناح‌ها به این سازمان فشار میارن؛ در حالی که که بیکاران چند میلیونی کشور بلندگو و تریبونی برای فریادزدن ندارند» (۲۶- I).

«دولت تو کشور سهم بزرگی از اقتصاد رو به خودش اختصاص داده و همیشه داره بزرگ‌تر هم میشه، دولت از بس منابع مالی داره که شبیه یک بادکنک شده و داره می‌ترکه.. جالب اینه که باز هم دنبال گرفتن سهم بیشتره، تمام حرفایی هم که تو زمینه کوچک‌سازی و چابک‌سازی می‌زنن، همش ظاهریه، باطن ماجرا یه چیز دیگه است... دولت همه‌کاره است» (۱۴- I).

جدول ۳- شرایط علی خصوصی سازی

Table 3- Causal conditions of privatization

مقوله محوری	خرده مقوله	مفاهیم
فرهنگی دولت	موازی کاری نهادی	تعدد دستگاه‌های نظارتی / تعامل نداشتن وزارت‌خانه‌ها و شرکت‌های مادر تخصصی / نبود نهاد تنظیم‌گر / همکاری نکردن با شورای رقابت
	تمایل به حذف بخش خصوصی	نبود نگاه بهزیستی‌وار به شرکت‌های خصوصی (حمایت و نظارت بر شرکت‌ها تا سوددهی) / نبود رویکرد حمایت از صادرات / ضعف حدود اختیارات بخش خصوصی در نهاد‌های قانون‌گذار / واگذار نکردن به بخش خصوصی واقعی و واگذار بنگاه به شبه‌دولتی‌ها
	کارایی نداشتن آپاراتوس	مانع‌تراشی دستگاه‌های اجرایی در عملیاتی شدن فرآیند / تحمیل تعهدات به خریدار دوم برخلاف شرایط اولیه / واگذاری و قیمت‌گذاری در واگذاری دوم / بیماری هلندی اقتصاد / کفایت نداشتن قوانین حامی خصوصی سازی / پاسخ‌ندادن به عملکرد مالی /
نظارت ناکافی	فرهنگ نظارت‌ناپذیری	علاقه‌نداشتن به نظارت / خوی نظارت‌گریز مسئولان / اعمال سلیقه در نظارت
	نبود ابزارهای نظارتی	ابزارهای نظارتی ناقص / پارتی‌بازی در نظارت / مصونیت قانونی از نظارت / تعدد مراجع نظارتی
قانون‌گریزی	اقتصاد سیاسی نظارت	همپوشانی مقام ناظر / باندهای نظارت / قدرت پایین ناظر بر منظور در سلسله‌مراتب / قدرتمندان نظارت‌گریز /
	اراده معطوف به قانون‌گریزی	کفایت نداشتن قوانین تسهیل‌گر اصل ۴۴ / مزایده محوری به جای اهلیت‌سنجی / شروط تحمیلی و قراردادی مغایر با اصل کارایی / شناسایی نکردن فعالان خریداران واقعی بنگاه‌ها بی‌توجهی نهاد‌های متولی به اصلاح قوانین / کاهلی در اجرای درست قوانین / تضعیف عمده قوانین واگذاری
	فساد سازمان‌یافته	نبود مرجع قانونی برای حل و فصل اختلافات بخش خصوصی / ممانعت برای حضور افکار عمومی و مطبوعات در پیگیری پرونده‌های فساد / هزارتویی اقتصاد / مافیای خصوصی سازی
فضای نامناسب کسب و کار	ابهام در روش‌های واگذاری	نبود چارچوب دقیق برای انتخاب متقاضی / واگذاری شرکت‌ها بدون انجام کارشناسی دقیق و قانونی / فقدان رویه ثابت نهاد‌های نظارتی / استفاده نکردن از روش‌های معتبر و سالم واگذاری با تأکید بر بورس
	اقتصاد ریسکی	ریسک بالای سرمایه‌گذاری / پیش‌بینی ناپذیری آینده اقتصاد / روند‌گریزی اقتصاد / نبود امنیت در سرمایه / ورشکستگی بورس
نبود شفافیت	مداخلات ناموجه دولت	افزایش مداخله دولتمردان در صدور مجوزهای کسب و کار / نبود بازار رقابتی / نبود فضای خلق ارزش و کارآفرینی / نبود ثبات در سیاست‌گذاری / قیمت‌گذاری دستوری
	هرج و مرج در بازار	تنظیم نکردن مؤثر دولت / اولویت آزادسازی بر خصوصی سازی / تورم افسارگسیخته / ثبات نداشتن نرخ بهره بانکی / تسهیل نیافتن فرایند کسب و کار /
	خلأهای قانونی	نبود سازوکار قانونی واگذاری فعالیت‌های دولتی / وجود آیین‌نامه‌های معاملاتی پیچیده خصوصی سازی / خصوصی سازی تبعیض‌آمیز / اراده نداشتن برای اصلاح قوانین / تناقض تعددی در قوانین
	نبود شاخص‌های دقیق ارزیابی	ایجاد شبکه‌های جدید قدرت / نبود شفافیت در هدف‌گذاری غیرانتفاعی / مشخص نبودن صورت دقیق دارایی‌ها و بدهی‌ها / نبود شفافیت رابطه کارفرما و پیمانکار / نبود روش‌های علمی برای ارزیابی و سنجش عملکرد
	بروز نیافتن اطلاعات	همکاری نداشتن با دستگاه‌های نظارتی در ارائه اطلاعات مالی / نبود جریان شفاف اطلاع‌رسانی / پنهان‌کاری سیستماتیک

نظارت ناکافی

مسئله‌ی نظارت عمومی در مدیریت فرایند خصوصی‌سازی در ایران، یک موضوع تأمل‌پذیر و بررسی‌شدنی است. این مسئله با آسیب‌ها و چالش‌هایی نظیر مصونیت از نظارت، فرهنگ نظارت‌ناپذیری، تعدد مراجع نظارتی، ناهماهنگی در نظارت، ابزارهای ناقص نظارتی، اعمال سلیقه و اقتصاد سیاسی نظارت در هم گره خورده است. بیشتر پاسخگویان، نظارت را به‌مثابه‌ی یک تدبیر پیشگیرانه برای سلامت اقتصاد ایران، ضروری دانسته و بر اثربخشی اجرای آن در موفقیت خصوصی‌سازی تأکید کرده‌اند.

«به روندِ خطرناکی تو اقتصاد ما داره اتفاق میفته و اونم اینه که تو بیست سال اخیر، بیشتر واگذاری‌ها به بخش‌های شبه‌دولتی از طریق خصوصی‌سازی بوده و این موضوع باعث شده که عملاً چهل الی چهل و پنج درصد اقتصاد ما، زیر نظر دولت و مجلس نباشه و از نظارت اونا خارج شده، یعنی داریم تبدیل میشیم به یک اقتصاد زیرزمینی مافیایی، شبیه فضای دارک وب تو اینترنت که همیشه ازش چیزی سر در آورد، رد پاها به‌راحتی قابل پیگیری نمیشن و بحث‌های نظارتی بی اثر میشن» (I-17).

قانون‌گریزی

در سنخ‌شناسی وبر، قانون از انواع مشروعیت‌های دولت است که مهار قدرت از طریق غیرشخصی کردن عملکرد آن و به حداقل رساندن امکان عمل براساس هوا و هوس حکمرانان را دنبال می‌کند.

«نبود بسترهای قانونی و ساختارها و نهادهای لازم برای خصوصی‌سازی در کنار تشکیل یکسری نهادهای غیرکارآمد و ضعیف، مثل هیئت عالی واگذاری و هیئت حل اختلاف و شورای رقابت و دخالت‌های مکرر افراد، باعث شده که به‌راحتی قوانین موجود دور زده بشه، شرکتی رو سراغ دارم که پس از واگذاری به‌راحتی قانون رو دور زده و به هیچ‌کدوم از تعهدات خودش پایبند نیست، املاک و ماشین‌آلات خودش رو به مزایده گذاشته و تغییر کاربری داده، کسی هم چیزی بهش نمیگه» (I-23).

«وقتی دولتمردان قانون‌مند نیستن، ما چرا باید

قانون‌مند باشیم؟ وقتی مسئولان قانون رو به نفع خودشون تفسیر می‌کنن، من بخش خصوصی هم کم‌کم میرم به‌طرف اینکه منافع خودمو در نظر بگیرم و قانون رو دور بزنم» (I-10).

فضای نامناسب کسب و کار

فضای مناسب برای کسب و کار، یکی از عوامل مهم رونق اقتصادی، رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و افزایش رفاه مردم محسوب می‌شود که لازمه‌ی آن، گسترش فعالیت‌های اقتصادی، وجود ثبات، امنیت سیاسی و اقتصادی در کشور است.

«خصوصی‌سازی مرحله‌ی آخر بود، ولی ما اون رو مرحله‌ی اول انجام دادیم و سایر موضوعات، یعنی بهبود فضای کسب و کار، ایجاد شرایط رقابتی و عدم مداخله دولت در بازار را در اولویت‌های بعدی قرار دادیم و شاید هم هرگز ندادیم... تا این شرایط درست نشده، خصوصی‌سازی موفق نمیشه تو این مملکت» (I-5).

«چندسال پیش به صنعت پوشاک ورود کردیم، کل سرمایه رو اونجا گذاشتیم، ولی واردات پارچه ترکیه و چین ما رو به خاک سیاه نشوند... تولید در کشور، مثل گذر از هفت‌خان رستمه، قیمت یکی از ملک‌های شرکتمون بدون اینکه تلاشی کنیم و یا استرسی بکشیم چندبرابر شده، ولی کل سودمون تو بخش پوشاک خیلی کم بود» (I-28).

نبود شفافیت

شفافیت در امور اقتصادی، امری است که با انتشار آزاد اطلاعات و دسترسی به منابع صحیح، در تصمیم‌گیری به شکل‌گیری اقتصادی، واقعی و سالم کمک می‌کند، اقدامات فسادزا را کاهش می‌دهد و مشارکت عمومی تمامی گروه‌ها و ذی‌نفعان، خیر جمعی را تضمین می‌کند.

«کارفرما و پیمانکار و دولت، خودشون تو خفا رفتن یک قراردادی رو بستن و این وسط سر کارگر بی‌کلاه مونده، نه کارگر فهمیده، نه رئیس تشکل صنفی‌مون، نه بازرس اداره کار... آدم حس می‌کنه که مثل این فیلمای سینمایی، یه پدرخوانده وجود داره که مناقصات رو واگذار می‌کنه و بقیه هم کارپردازشن» (I-30).

شرایط مداخله‌گر

را تسهیل یا محدود می‌کنند. پاسخگویان به عوامل مهمی نظیر فقدان شایسته‌سالاری در مدیریت، بحران برنامه‌ریزی و استیلای بخش نامولد اشاره کردند.

شرایط مداخله‌گر مجموعه‌ای از متغیرهای میانجی و واسط است که راهبردها از آنها متأثر می‌شود و مداخله دیگر عوامل

جدول ۴- شرایط مداخله‌گر در خصوصی‌سازی

Table 4- Intervening conditions in privatization

مقوله محوری	خرده مقوله	مفاهیم
فقدان شایسته‌سالاری در مدیریت	آگاهی نداشتن مدیران	قاطعیت و جسارت نداشتن دست‌اندرکاران امر واگذاری / حمایت نکردن هوشمند دولتمردان / نگاه مشکوک و امنیتی به خصوصی‌سازی / نبود سواد اقتصادی در مدیران
	عدم اهلیت‌سنجی مدیران	جذب نکردن مدیران باتجربه و متخصص / نبود شایسته‌سالاری / شایستگی نداشتن اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی / ناترازی ظرفیت نهاد مجری خصوصی‌سازی با مأموریت‌هایش
	بوروکرات‌های جاه‌طلب	غلبه نگاه درآمدی به واگذاری‌ها / تحت تأثیر قرار گرفتن مدیران با اظهارنظرهای غیر کارشناسی / غرض‌ورزی مدیران / انتفاع‌طلبی مدیران / سیاسی‌کاری مدیران / فراجناحی نبودن مدیران
	نبود استراتژی مدون	نبود برنامه چندمرحله‌ای برای واگذاری فعالیت‌ها / ابهام و سردرگمی درباره نحوه واگذاری / نگاه‌های دولتی و شبه‌دولتی / اشتباه در اولویت‌گذاری / نداشتن یک استراتژی مدون و دقیق در رابطه با توسعه کشور
بحران برنامه‌ریزی	نبود وحدت رویه	فقدان تعریف مشخص از مولدسازی / پیش‌بینی نکردن نهاد داوری / چندگانگی نهادی / حاکمیت جزیره‌ای
	فرمالیسم صوری	عدم احصا و شناسایی کامل اموال دولت / تعیین تکلیف نکردن سرمایه و دارایی‌های غیرمولد / واگذار نکردن شرکت‌ها براساس ماهیت شرکت و بازار / کاغذبازی اداری
	مدیریت آشفته	ضعف نظام آماری برای شناسایی اموال / نبود برنامه‌ریزی برای نهادسازی / عدم احصا و شناسایی کامل اموال دولت / برنامه‌ریزی نکردن برای شکست بازار /
استیلا	اختاپوس واسطه‌گری	سودآوری فعالیت‌های موازی تولید / انفجار واسطه‌گری و دلالی / بازده نامتعارف بازارهای غیرمولد / حمایت نکردن از تولید داخلی / گروگان‌گیری اقتصاد توسط مافیا
بخش نامولد	هزارتویی تولید	هفت‌خان رستم تولید / توسعه‌نیافتن بازار سرمایه / توانایی نداشتن بانک‌ها در رگولاتوری / خروج آسان سرمایه از کشور / انحصار بانک‌ها در ایجاد نقدینگی / مافیای واردات / حمایت نکردن از کارآفرینان / مالیات‌گریزی بخش نامولد / ضدارزش‌شدن کار / فرهنگ کار ضعیف / نبود فرهنگ تولید

فقدان شایسته‌سالاری در مدیریت

مشروعیت و توانایی لازم برای تحقق توسعه را فراهم آورند؛ این امر به سهم خود، به رابطه دولت با جامعه و شکل‌گیری نوع خاصی از دولت در قالب نظریه اوانز^۱ (۱۳۸۰) و بوروکراسی وبری^۲ توضیح‌دادنی و تحلیل‌شدنی است.

«قبل از اینکه استخدام دولت بشم، تصورم این بود که بالای هفتاد درصد نیروها از طریق آزمون استخدامی جذب

نفوذ فراگیر و روزافزون دولت در قالب بوروکراسی، پدیده‌ای است که در تمامی کشورها شاهد آنیم و نفوذی است که حذف نمی‌شود، اما قابلیت محدود شدن دارد (اوانز، ۱۳۸۰: ۳۴-۳۵). دولت‌ها در راستای افزایش کارآمدی و مشروعیت و تحقق اهداف خود در ارتباط با توسعه، نیازمند بهره‌مندی از توان و تخصص نیروهای انسانی متخصص و توانمندند تا کارآمدی،

¹ Evans

² Weberian Bureaucracy

سود بالایی دارند و بخش اعظم سرمایه‌های کشور را به خود اختصاص می‌دهند.

«یه روز اداره مالیات میاد، یه روز تأمین اجتماعی خیر ما رو می‌گیره، یه روز شهرداری، یه روز اجازة واردات به یه آفازاده‌ای میدن و کل بازار ملتهب میشه، برای گرفتن وام و تسهیلات تولیدی هم باید با هزارتا قسم و قرآن مدارک جور کنی و تازه اونم با یه نرخ سود بالایی بهت میدن، واقعاً تو این شرایط نمی‌صرفه بریم طرف تولید و با همه ارگان‌های دولتی درگیر بشیم» (I-۱۱).

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای مجموعه مشخصه‌های ویژه‌ای است که به پدیدة مدنظر، یعنی محل حوادث و وقایع متعلق به پدیده، دلالت می‌کند. زمینه، نشانگر شرایط خاصی است که در آن راهبردهای عمل/تعامل انجام می‌شود.

نگرش اشتباه به خصوصی‌سازی

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در این زمینه وجود دارد، نگرش کلیت دستگاه سیاست‌گذاری کشور به بحث خصوصی‌سازی است. مصاحبه‌شوندگان در این باره بر این باورند که دولت بخش خصوصی را رقیب خود می‌داند.

«دولتمردان تو کشور ما نگاه خوبی به خصوصی‌سازی ندارن، بیشتر خصوصی‌سازی به‌عنوان راهکاری برای رفع مشکل کسری بودجه نگاه می‌کنن، بعضی وقتا هم دولتی‌ها در قالب رد دیون بدهی‌های خودشون رو صاف می‌کنن، نمی‌دونم رد دیون چه نسبتی با خصوصی‌سازی داره؟ از این جیب دولت به اون جیب دولت میره، آخه کجای این کار خصوصی‌سازی» (I-۷).

«یه سری حساسیت‌های سیاسی و اجتماعی هم نسبت به صاحبای شرکت‌های خصوصی وجود داره که عموماً باعث گاردگرفتن دستگاه مدیریتی کشور میشه، متأسفانه دستگاه کلان مدیریتی هنوز به این باور عمومی نرسیده که تنها راه نجات اقتصاد کشور مردمی‌کردن اقتصاد و فعال کردن بخش خصوصی و تعاونیه» (I-۱۱).

شدن و بقیه هم از خانواده محترم اینارگر و شهدا، ولی بعد از ورود به سازمان، متوجه شدم که قضیه کاملاً برعکسه، حدود ۷۰ درصد از بدنه کارشناسی طریق پارتی و رانت و آشنابازی جذب شدن و کمتر از سی درصد توسط آزمون استخدامی و خانواده اینارگر، هرکی به نماینده مجلس، مدیر، وکیل یا فامیلی داشته، رفته حکم گرفته و جذب شده، بعدش که اومدن یک آزمون مهرآفرین برگزار کردن و همه رسمی شدن» (I-۳).

بحران برنامه‌ریزی

نبود استراتژی مدون، نبود وحدت رویه، فرمالیسم صوری و آشفتگی فکری در مدیریت، یکی از ابعاد شرایط مداخله‌گر بود که پاسخگویان بر آن اجماع داشتند. سازگاری، هماهنگی پایداری، تجربه، اثربخشی و... از جمله اصول اساسی برنامه‌ریزی‌های توسعه‌اند. برنامه‌ریزی اقدامات توسعه‌ای در ایران، بیش از نیم قرن سابقه دارد، ولی علی‌رغم وجود منابع و زیرساخت‌های پذیرفتنی، همچنان از نارسایی‌های فراوانی رنج می‌برد.

«ما نه پیش از واگذاری‌ها آمادگی لازم را در بنگاه‌ها انجام دادیم و نه صنعت را به سمت رقابتی شدن حرکت می‌دادیم و نه پس از واگذاری‌ها آن، رصد و پایشی که برای به سرانجام رساندن بنگاه‌های واگذارشده صورت می‌گرفت.. باید اعتراف کنیم که در توانمندسازی بخش خصوصی و اهلیت‌سنجی و واگذاری بدون فساد شرکت‌های دولتی، مجموعاً کارنامه قابل دفاعی نداشتیم» (I-۱۳).

استیلاي بخش نامولد

به واسطه روندهای تاریخی مسیر توسعه، بخش نامولد اقتصاد، همواره جزء مهمی در ساختار اقتصاد سیاسی قدرت در ایران بوده است. این بخش بدون ایجاد ارزش افزوده در کالا و خدمات، تنها به بازتوزیع درآمد از یک فرد به فرد دیگر روی می‌آورد. فعالیت‌هایی نظیر کسب سود از طریق خرید و فروش سوداگرانه املاک، مسکوکات و فلزات گران‌بها، ارز، سپرده‌گذاری بانکی، واسطه‌گری و توزیع کالا، ریسک پایین و

جدول ۵- شرایط زمینه‌ای خصوصی‌سازی

Table 5- Background conditions of privatization

مقوله محوری	خرده مقوله	مفاهیم
نگرش اشتباه به خصوصی‌سازی	نگاه امنیتی	نگاه امنیتی به خصوصی‌سازی / اعتماد نکردن به بخش خصوصی / مداخله غیر تخصصی نمایندگان مجلس و صدا و سیما / نفوذ بیگانگان در ساختار اقتصاد
	رقیب بودن خصوصی	فسادستیزی بخش خصوصی / رقیب‌انگاری بخش خصوصی / غلبه رویکرد رفع ناترازی بودجه / تقلیل خصوصی‌سازی به تغییر مالکیت / نبود نگاه اجماع نخبگانی / غلبه نگاه انتفاعی / خصوصی‌سازی به مثابه سیاست‌زدایی / اعتماد نکردن به یکدیگر
فلاکت بخش خصوصی	ناتوانمندی بخش خصوصی	ضعف تصدی‌گری در بخش خصوصی / استفاده نکردن از پیمانکاران با توان مالی بالا / توان چانه‌زنی پایین بخش خصوصی / وجود نداشتن بخش خصوصی پاک، فعال و کارآمد / کیفیت نامناسب پیمانکاران / شفافیت نداشتن سوابق و پیشینه شرکت‌های خصوصی / نبود بخش خصوصی توانمند / کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران برای ورود به خصوصی‌سازی / واگذاری به خودی‌ها / نبود تخصص در تیم جدید سرپرستی شرکت
	عدم اهلیت بخش خصوصی	نبود فرهنگ تعاون و یاریگری / ضعف ساختاری - تاریخی تعاون / سهم اندک تعاون از اقتصاد کشور / بحران‌های حقوقی تعاونی
پارادوکس منافع	خودخواهی در برابر منافع جمعی	برون‌سپاری نکردن فعالیت‌های سودآور دولتی / انحصار تسهیلات دولتی / انتفاع‌گرایی / حصولتی‌سازی
	سازمان‌یافتگی منافع	تحقق نیافتن انتقال مدیریت به سهامداران / ذی‌نفع بودن کارگزاران دولتی / تسویه نکردن به موقع دیون بهره‌مندی از رانت اطلاعاتی / ایجاد نکردن فرصت‌های برابر برای همگان
	ضعف سیستم دادرسی	نبود اراده در دادرسی / سوء مدیریت خریداران و مدیران منصوب / قوه قضاییه نامستقل / دست‌اندازی در فرایند / تحمیل مشکلات مالی دولت به شرکت‌های واگذار شده

بخش خصوصی فلاکت‌زده

بخش خصوصی در ایران چندان قوی نیست. وقتی بخش خصوصی قوی نیست، یعنی در عمل نمی‌تواند در زمان واگذاری‌ها بخواهد بنگاه‌های واگذار شده بزرگ را خریداری کند و بنگاه‌های خصوصی در برخی ابعاد، توانایی خرید بنگاه‌های بزرگ‌تر را ندارند. دلیل اصلی ضعف بخش خصوصی این است که دولت‌ها در ایران، به بخش خصوصی اعتماد ندارند و در تمام تصمیم‌گیری‌های خود به‌طور نانوخته قصد دارند اجازه ندهند که بخش خصوصی بزرگ‌تر و قوی‌تر شود. با این شرایط، خصوصی‌سازی در عمل به شعار تبدیل می‌شود و جایی برای حضور بخش خصوصی باقی نمی‌ماند.

«بخش خصوصی تو کشور ما همه تو سرش می‌زنن، کسی بهش اعتماد نداره، تو اعتمادسازی بخش خصوصی یکی از محورهای مهمیه که باید اتفاق بیفته که اونم با حرف همیشه، اگه تسهیلاتی هست باید به اون پرداخت بشه، اگه کار او با مشکل مواجه شده، باید مجموعه اداری کشور در عمل ازش حمایت کنه» (I-۲۷).

پارادوکس منافع

متخصصان به مفهوم تضاد منافع در مبانی نظری حکمرانی خوب و مبارزه با فساد، توجه کرده‌اند. بنیان این مفهوم بر این پیش‌فرض استوار است که برای پیشگیری از فساد صرف، اتکای بر راهکارهای مبتنی بر کنترل درونی افراد، نظیر وجدان و ارزش‌های اجتماعی، ترس از رسوایی و باورهای مذهبی کافی نیست و این امر نیازمند آرایش و ترتیبات نهادی خاصی است که ناظر بر موقعیت‌های پیش از وقوع فساد باشند و برای این کار، با ضمن شناسایی تمامی ذی‌فغان دخیل در موقعیت‌های مختلف، نسبت به اتخاذ راهبردهای گوناگون مدیریت تعارض منافع اقدام کرد.

«معمولاً خریدار هیچ رابطه‌ای با صنعت نداره، تو فلان کارخونه بزرگ تو اراک، یه بدهکار بزرگ بانکی سال قبلش یه شرکت صوری رو ثبت می‌کنه تو زمینه ماشین‌سازی و معدن.. بعدشم مالک همه چیز شد» (I-۱۹).
برادر صاحب کارخانه شرکت خودش نماینده مجلسه، این فرد هیچ‌وقت قانونی رو نمیداره تصویب بشه که منافع

با پدیده‌ی مدنظرند. راهبردها مقصود دارند، هدفمندند، به دلیلی انجام می‌شوند و در عین حال ممکن است برای اهدافی به وقوع بپیوندند که مربوط به پدیده نیست، اما به هر حال پیامدهایی را برای پدیده در بر خواهد داشت. همواره شرایط مداخله‌گری نیز حضور دارند که راهبردها را سهولت می‌بخشند یا آن را محدود می‌کنند.

برادرش رو به خطر بنده، وضعیت داره به سمتی میره که بین مدیران دولتی و خصوصی یکسری ائتلاف‌هایی شکل گرفته که به‌خوبی خودش رو در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا یا مجلس شورای اسلامی نشان میده، مدیران و کارفرماها به همین راحتی از منافع خودشون کوتاه نمیان» (۲۲- I).

راهبردها

راهبردها مبتنی بر عمل/تعامل‌های برای کنترل، اداره و برخورد

جدول ۶ - راهبردها و استراتژی‌های خصوصی‌سازی

Table 6- Privatization strategies and strategies

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
راهکار کلان	اصلاح ساختار بودجه‌ریزی	تخصیص عادلانه بودجه سازمان‌ها/ معافیت‌های مالیاتی بخش خصوصی/ کارآمدسازی ساختار بودجه‌ریزی/ تضعیف رویکرد درآمدی به خصوصی‌سازی/ نگاه طولیل مدت/ کاهش سهم رد دیون در تفکیک شیوه‌ها/ وحدت رویه سیستم مالیاتی به عملکرد شرکت‌ها
	سیاست‌زدایی از فرآیند تخصیص سرمایه	شفافیت فرآیندی/ ورود نهاد مستقل قضایی/ امتناع از جهت‌گیری سیاسی/ تدوین مکانیسم برای ممانعت قانونی جناح‌های سیاسی/ تجدیدنظر در روش‌های سهامداری/ تشکیل بایبی نیروی کار/ تشکیل بایبی بخش خصوصی/ آزادی بیان/ آزادی مطبوعات/ مشارکت نیروی کار در فرایند خصوصی‌سازی/ به رسمیت شناختن حقوق سیاسی- مدنی مردم/ تقویت چانه‌زنی نیروی کار/ تحریم‌های ناجوانمردانه/ آثار قیمت‌های جهانی (نهادها و محصولات)/ درک‌نکردن تحولات جهان به‌وسیله مدیران/ درک‌نکردن واقعیت‌های بازار/ جذب سرمایه خارجی/ دیپلماسی اقتصادی/ تقویت سیاست تنش‌زدایی/ خنثی‌سازی تحریم‌ها/ بهبود کیفیت حکمرانی/ فرادستی نگاه کارشناسی بر موضوع واگذاری‌ها/ سیاست‌گذاری هوشمندانه/ آزمون‌های دقیق استخدامی/ جلوگیری از خروج نخبگان/ اولویت‌دهی به تأمین منابع امور توسعه‌ای و زیرساختی/ تصدی‌نداشتن طولانی مدت در پست‌های مدیریتی/ توسعه مالکیت سهام/ اصلاح قوانین و سیاست‌گذاری/ اولویت‌دهی به فرهنگ‌سازی/ شکل‌گیری اجماع عمومی/ ایجاد زیرساخت‌های نهادی و حقوقی/ ورود رسانه ملی به بحث اقناع‌سازی افکار عمومی/ مشارکت‌خواهی مردم/ اعتمادسازی در اجتماع محلی/ فضا‌سازی فرهنگی/ اطلاع‌رسانی عمومی/ جلب نظر ذی‌نفعان
	تسریع دموکراتیزاسیون	
راهکار خرد	تغییر ریل سیاست خارجی	
	تزیق شایسته‌سالاری	
	احیای اعتماد عمومی	
	اصلاح محیط کسب و کار	انحصارزدایی/ اصلاح ساختار اداری/ تدوین بسته حمایتی برای کارفرمایان/ اقتصاد دانش‌محور/ تسهیل مجوزهای کسب و کار/ متناسب‌سازی مالیات/ برون‌سپاری/ پژوهش‌محوری/ توجه به تبلیغات/ توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان/ توسعه بازار تأمین مالی خرد بنگاه‌های اقتصادی/ حمایت اجتماعی از نیروی کار/ افزایش نرخ دستمزد/ تأمین اجتماعی
	تأمین اجتماعی مؤثر	تور حمایتی/ بازآموزی کارگران/ استخدام مجدد/ ایجاد مزایای بیکاری و تأمین اجتماعی/ طرح بازنشستگی داوطلبانه/ تشکیل صندوق حمایت از کارگران/ حمایت از تأمین مسکن اقشار کارگری

اصلاح ساختار بودجه‌ریزی کشور

اصلاحات ساختاری در ساختار بودجه و مالیه عمومی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی از جمله مهم‌ترین راهکارهای موفقیت خصوصی‌سازی در کشور است. وضعیت فعلی بودجه کشور حاصل انباشت سال‌ها ناترازی در اقتصاد، تصمیمات نادرست دولت و نبود شفافیت در بودجه‌ریزی است. در بودجه‌ریزی باید هم‌زمان بر ابعاد فنی و سیاسی مسئله تمرکز کرد که تحت تأثیر سازه‌هایی نظیر سلسله‌مراتب قدرت، توان سازمان‌دهی سیاسی، ایدئولوژی و اولویت گروه حاکم، تعامل قوا با یکدیگر، قدرت گروه‌های اجتماعی و نیز قواعد سخت‌افزاری آن در زمینه فرایند بودجه‌ریزی قرار دارد.

«یکی از مسائل اساسی هفت‌تپه، نیروی مازادی بود که تو دوره قبلی جذب شرکت شده بود، نیروی انسانی شرکت در فاصله سال ۹۲ الی ۹۶ از ۲۵۰۰ نفر به ۶۰۰۰ نفر رسیده بود، بودجه پرداختی برای این کارگرا از توان خریدار خارج بود، حالا اینکه خریدار با اطلاع از این وضعیت اقدام به خرید کرده بود یا نه، و اسه ما روشن نیست» (I-17).

سیاست‌زدایی از فرایند تخصیص سرمایه در اقتصاد

نورث^۱ (2003) در آثار متعدد خود در زمینه توسعه، بسته به میزان دسترسی به حقوق مالکیت و کاربرد خشونت در انحصاری کردن آن از تأثیر سه نوع نظم بدوی، دسترسی محدود (حالت طبیعی) و دسترسی باز بر روند توسعه جوامع تأکید کرده است. در رویکرد نهادگرایی، فرایند توسعه به مثابه فرایند تدریجی دسترسی فرودستان به حقوق مالکیت و افزایش کارآمدی ساختار حقوق مالکیت تعریف می‌شود. نهادها و ترتیبات سیاسی و حقوقی به نسبت سازگاری‌شان با فرایند توسعه بر روند انباشت ثروت و افزایش بهره‌وری عوامل تولیدی یک کشور تأثیر بسزایی می‌گذارند. نهادهای

پویای سیاسی، بسترهای مناسبی را برای تشویق سرمایه‌گذاری و ساختار انباشت ثروت فراهم می‌کند.

«تو این کشور همه‌چیز به همه‌چیز ربط داره، شما نمی‌تونید بدون موافقت نهادهای بالاسری و مافیای قدرت، بیزنسی رو به پیش ببری، همه باید مطیع اون گروه بالاسری باشن، پولی هم اگه توزیع میشه، باید تهش به این برسه که کدوم گروه سیاسی می‌خوان بکشن بالا» (I-18).

«بعضی از این آمارهای زیانده‌ی که توسط شرکت اعلام میشه، ساختیگه و برای فرار مالیاتی تنظیم شده... دردش اینه که منابع جبران این زیان‌ها به‌طور مستقیم از پایه پولی برداشت میشه و هزینه‌اش رو باید همه کارگرا پرداخت کنن» (I-22).

تعمیق دموکراتیزاسیون

توسعه سیاسی در کشور مستلزم نهادینه‌کردن تشکلهای، افزایش توانمندی شهروندان و مشارکت قانون‌مند آنها در تعیین سرنوشت سیاسی-صنعتی خویش بوده است که به تعبیر کلمن^۲، از مرادده مستمر بین فعالیت‌های ساختاری، ظرفیت‌های همگرا، الزامات برابری، پاسخگویی و سیستم سازگار شونده سیاسی ناشی می‌شود (نصیری خلیلی، ۱۳۹۹).

توسعه مدیریت مشارکتی، تقویت بخش تعاون، تأسیس نظام تصمیم‌گیری مشترک در محیط کار و توجه به موازنه قدرت بین کارفرمایان و کارگران، در کنار ارتقای سرمایه اجتماعی، به افزایش بهره‌وری بنگاه‌های اقتصادی منجر می‌شود.

من کارگر اگه تشکل داشته باشم، به‌جای اینکه بریزم تو خیابون و آتیش روشن کنم، میرم تو دفتر کارفرما و قشنگ شیک و پیک با هم صحبت می‌کنیم و من می‌تونم خواسته‌های خودمو بیان کنم و اونم سنگای خودشو وا می‌کنه. نبود تشکل باعث میشه من کارگر عصبی بشم و رفتار مدنی داشته باشم» (I-12).

سیاست خارجی توسعه‌گرا

در جهان در هم تنیده امروز، توسعه اقتصادی هر کشوری

² Coleman

¹ North

ک مشترک منابع و گفتمان زیادی با جامعه، کار و تولید ندارن، قوانین رو برای خودشون تأیید می‌کنن که به نفعشون باش، تا هنگامی که قانون در رأس امور نباشه، امکان موفقیت تو خصوصی‌سازی خیلی کمه» (I-۳۱).

احیای اعتماد عمومی

موفقیت هر امر توسعه‌ای در طولانی‌مدت، منوط به احترام به اعتماد عمومی شهروندان است. تجربه‌های گوناگون سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در کشورهای گوناگون، بیانگر آن است که هرگونه بهبود رفاه در جامعه نیازمند اصلاحاتی از طریق بهبود عملکرد عوامل تولید بوده است. این امر به تغییر در موازنه قدرت در درون جامعه (جناح‌های گوناگون قدرت/سرمایه و نیز نیروی کار/سرمایه) منجر می‌شود و مقاومت‌هایی را از سوی بازندگان در پی دارد. در راستای مدیریت مقاومت بازندگان، سیاست‌گذار با اتکا به عنصر توجه به اعتماد عمومی، اذهان ذی‌نفعان را برای این تحول آماده و با اخذ دیدگاه‌های آنان و نیز ایجاد نهادهای جدیدی نظیر بیمه بیکاری و شفاف‌سازی نسبت به مشارکت تمامی جناح‌ها در منافع حاصل شده، نسبت به کاهش هزینه‌های عملیاتی پروژه توسعه‌ای (در اینجا خصوصی‌سازی) اقدام می‌کند.

«تو شهر ما پمپ بنزین دولتی رو خصوصی‌سازی کردن و گذاشتن تو مزایده... تنها یه نفر شرکت کرده بود، یعنی کسی خبر نداشته که شرکت کنه تو مزایده، پمپ بنزین هزارمتری رو پنج میلیارد فروختن، یک میلیارد نقد بقیه سالی پونصد میلیون تومان... والله خصوصی‌سازی تو این مملکت، یعنی انتقال دارایی‌های عمومی با کمترین قیمت به یک جناح خودی» (I-۱۱).

«بعد از خصوصی‌سازی یه شرکت، کار تموم شده یا نه؟ نه... به نظرم تازه اول کار دولته، اما در کسوت یک ناظر، یک حامی و یک هدایتگر دلسوز که بتونه کار رو کاملاً هدایت کنه برای رسیدن به مقاصد عالی. ما در این مسیر به لزوم احیای اعتماد عمومی نسبت به مسئله واگذاری در بین سرمایه‌گذاران نیاز داریم» (I-۲۹).

ارتباط نزدیکی با ملاحظات سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی آن کشور دارد. کشورها همواره سعی می‌کنند که با اتخاذ رویکردی توسعه‌گرا و با بهره‌گیری از ابزارها و ظرفیت‌های ملی نسبت به پیشینه‌سازی تأمین اهداف اقتصادی خود نائل آیند. عملیاتی‌شدن دیپلماسی اقتصادی از اصولی نظیر عقلانیت سیاسی، تنش‌زدایی، گسترش مناسبات سیاسی در قالب تفاهم‌نامه‌های چند جانبه، نسبی‌انگاری موضع‌گیری‌های سیاسی و اولویت‌داشتن منافع ملی پیروی می‌کند.

«تحریم‌ها تو کشور باعث شده که شرکمون نتونه سرپا وایسه، هزینه‌های زیادی برای واردکردن اجناس و اقلام ضروری پرداخت کرده و خود به خود باعث میشه که فشار به روی منابع شرکت روز به روز بیشتر بشه، به نظرم فشارهای خارجی باعث شده که ما نتونیم هم پای سایر کشورهای منطقه و رقبای تجاریمون فعالیت کنیم و بیزنسمون رو نجات بدیم» (I-۲۴).

«بعضی از جناح‌های درون حاکمیت به‌خاطر ناکارآمدی و بی‌کفایتی دوس ندارن از تحریم و تهدید خارج بشیم؛ چون پشت این موضوعات پناه گرفته و اگه تحریم‌ها لغو بشه، فساد و اختلاس و بی‌کفایتی خودش رو بیشتر نشون میده» (I-۲۱).

تزریق شایسته‌سالاری

امروزه در پیشینه نظری توسعه، شایسته‌سالاری یکی از عناصر مهم عملیاتی‌سازی حکمرانی خوب است؛ به‌طوری که چرخش آزاد نخبگان و توجه به صلاحیت‌های حرفه‌ای و شایستگی‌های علمی آنها (و نه میزان و نوع روابط با باندهای قدرت)، تأثیر مستقیمی در تقویت ظرفیت سازمانی دولت (به‌عنوان متولی اصلی توسعه کشور) دارد. پاس‌خگویان بر این باورند که در سیستمی که در گزینش و به کار گماری و نصب و عزل مدیران به جای نسبت‌های فامیلی و جناحی و حزبی، معیارهایی نظیر دانش، تجربه، توانایی، تعهد و کاردانی ملاک قرار بگیرد، احتمال موفقیت بیشتری در خصوصی‌سازی وجود دارد.

تو مملکت ما اگه بتونیم نخبه‌ها رو جذب کنیم، کار تمومه، متأسفانه کسانی در رأس سیاست‌گذاری قرار گرفتن

اصلاح محیط کسب و کار

پاسخگویان بر اهمیت حیاتی متغیر بهبود فضای کسب و کار بر موفقیت پروژه خصوصی‌سازی در کشور تأکید داشتند. نظام کلان سیاست‌گذاری کشور با تمرکز بر ایجاد ثبات و امنیت سیاسی و اقتصادی، اصلاح قوانین و مقررات تجاری و توسعه زیرساخت‌ها به رونق فضای کسب و کار کمک می‌کند. افزایش شفافیت و رقابت سالم در فضای کسب و کار، به افزایش سلامت اقتصادی کشور و بهبود شاخص‌های اقتصادی منجر می‌شود.

«قدم اول اینه که خصوصی‌سازی رو با این رویه فعلی هرچه زودتر متوقف کنیم، مجلس باید قانون‌گذاری و فرایند واگذاری رو شفاف کنه و قوه قضاییه هم با کسی شوخی نداشته باشه، سازمان خصوصی‌سازی هم آیین‌نامه‌هاشو آپدیت کنه و فضای کسب و کار به سمتی بره که اداره اقتصاد کشور به طرف مردمی‌سازی و مشارکت واقعی مردم برده بشه» (I-۲).

هم به‌عنوان موجودات انسانی دارند تا نیازهای اساسی خود از جمله خوراک، بهداشت، امنیت شغلی، فرصت‌های استخدامی و غیره را تأمین کنند. این امر به تنظیم مقررات سیاسی برای کنترل بازار نیاز دارد تا به‌وسیله تخصیص درست منابع اقتصادی، به ثبات زندگی اقتصادی-اجتماعی، ایجاد استانداردهای پذیرفتنی برای زندگی تمامی شهروندان و محدودکردن نابرابری‌های بیش از حدی دست یابد که در عمل برابری سیاسی را بی‌معنا می‌کند (اسمیت، ۱۳۹۱: ۴۶).

«میگن مازاد نیرو داریم، اونم راحل داره، کارگرایی که حالا به هر دلیلی جزء لیست مازاد قرار گرفتن رو باید تا به مدت ازشون حمایت کنن، بیمه و مقرری بیکاری بهشون بدن، به سایر بنگاه‌ها معرفی شون کنن، وام خوداشتغالی بهشون بدن، معرفی کنن فنی و حرفه‌ای تا دانش و مهارتشون زیاد بشه تا روزی که این کارگرا کار پیدا کنن، باید ازشون حمایت بشه» (I-۱۵).

پیامدها

پیامدها، نتایج و حاصل عمل/تعامل‌ها یا راهبردها هستند. پیامدها را نمی‌توان همواره پیش‌بینی کرد و الزاماً همان‌هایی نیستند که افراد قصد آن را داشته‌اند. بر مبنای تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده با پاسخگویان در زمینه خصوصی‌سازی پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی استخراج شدند.

تأمین اجتماعی قدرتمند

بازارها به‌طور خودبه‌خودی قادر به تأمین حداکثر منافع عمومی نیستند و یک نظام اجتماعی کارآمد به نهادهایی نیاز دارد که نارسایی‌های بازار را تنظیم کند؛ نارسایی‌هایی که ناشی از نبود امکان تقسیم عادلانه منافع و مزایا (و همچنین آسیب‌ها و زیان‌ها) بین تعداد زیادی از افراد است. حقوق شهروندی تنها به حقوق قانونی یا سلبی همچون آزادی بیان، گردهم‌آیی، یا داشتن دارایی محدود نمی‌شود. شهروندان همچنین حق طرح و دستیابی به حقوق ذاتی یا ایجابی خود را

جدول ۷- پیامدهای خصوصی‌سازی

Table 7- Consequences of privatization

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
پیامدهای سیاسی	گسل‌های سیاسی	تنش‌های کارگری / شورش‌های شهری / کاهش اعتماد سیاسی / توسعه‌نیافتگی مضاعف / پرورش گروه‌ها و باندهای مافیایی / شکنندگی نظام در مواقع حساس / سوء استفاده معاندان سیستم / کاهش وفاداری / اعتراضات عمومی / وابستگی جامعه مدنی به دولت / تضعیف نهادهای مدنی / انحصارگرایی از طریق تشکیل بخش خصوصی / گسترش فساد
	تهدیدات امنیت ملی	فرار نخبگان / کاهش سرمایه اجتماعی / نبود اعتماد نهادی / اعتماد نداشتن به ظرفیت دولت / افزایش مهاجرت نیروی کار / بهره‌گیری کشورهای متخاصم از اعتراضات کارگری
	آسیب‌های اجتماعی	اعتیاد / نبود امنیت شغلی / خودکشی / طلاق / افسردگی / خشم / ایجاد گروه‌های حاشیه‌نشین / جرم و بزهکاری / خودفروشی زنان / پرخاشگری / کاهش نشاط / ترک تحصیل / استثمار کاری / گرایش به مواد مخدر / کلاهبرداری / اختلافات خانوادگی / خشونت خانوادگی / نارضایتی زناشویی
پیامدهای اجتماعی	استرس‌های شغلی	اضطراب موقعیت / نبود امنیت روانی / استرس شغلی / کاهش اشتغال / رشد قراردادهای موقت کار / بی‌انگیزگی / ناامیدی / درماندگی طبقاتی / امید نداشتن به آینده / کاهش سلامت روانی / از خود بیگانگی / بلا تکلیفی درباره آینده خود و فرزندان / افزایش ریسک / توسعه شبکه‌های اجتماعی / تغییر در نگرش نسبت به اجتماع محلی
	افزایش ضریب جینی	افزایش فاصله طبقاتی / بیکار شدن کارگران / تعطیلی واحدهای ملی بزرگ / تعلیق / استثمار نیروی کار / افزایش قیمت کالا و خدمات / افزایش تورم / شوک درمانی / فرار مالیاتی / فقر مسکن / فقر آموزشی / فقر بهداشت
پیامدهای اقتصادی	تحلیل سرمایه‌های ملی	کاهش مولدسازی ظرفیت‌های پنهان / استفاده سیاسی از منابع / بهینه‌سازی نکردن منابع / کاهش تولید ناخالص ملی / افزایش کسری بودجه / بازنشستگی پیش از موعد کارگران / زیان‌ده بودن بنگاه‌های خصوصی شده
		اثر بخش نبودن سازمانی / بی‌انضباطی شخصی / تضعیف اثربخشی و کارایی / تعدیل ساختاری / مشکل مازاد نیروی کار / تغییر ماهیت بنگاه اقتصادی / استفاده از زمین‌های شرکت در مقاصد تجاری و مسکونی / گسترش اقتصاد زیرزمینی

پیامدهای سیاسی

از طریق توسعه و انکشاف مناسبات سرمایه‌داری در سپهر جامعه است. این اندیشمندان بر تأثیرات مثبت سرمایه‌داری بر ساخت قدرت سیاسی و پاسخگویی نهادهای اقتدارگرا به افکار عمومی برآمده از جامعه مدنی تأکید می‌کردند. با این حال برخی شواهد تجربی (شیلی ۱۹۷۳، ایران ۱۹۵۳ و کره جنوبی ۱۹۶۲) در پژوهش‌های مربوط به دموکراتیزاسیون، خلاف ادعای بالا را نشان داده (Rueschemeyer et al., 1991، پرزورسکی، ۱۳۸۴) و ادعا کرده‌اند که شواهد تجربی نشان داده

هر کدام از پاسخگویان از منظرهای متفاوتی به بحث پیامدهای خصوصی نگاه می‌کردند. خصوصی‌سازی همانند هر سیاست‌گذاری دیگری، پیامدهای مثبت و منفی دارد که پاسخگویان بر آن تأکید می‌کردند. یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های گذار به دموکراسی در جامعه‌شناسی سیاسی و پیشینه نظری دموکراتیزاسیون، انباشت حد مشخصی از ثروت (روستو^۱ (1960)، هانتینگتون^۲ (1965)، لیپست^۳ (1989)

¹ Rostow

² Huntington

³ Lipset

موج گسترده مخالفت‌ها با خصوصی‌سازی در بین اقلیت‌ها کارگري است.

«بعضيا صب تا شب دارن ميگن خصوصي سازي از نون شبم واسه اقتصاد کشور ضروريه و بايد سريع انجام بشه.. تو آلمان شرقي خصوصي سازي رو مشروط کردن، گفتن اگه کارگر رو اخراج کنی یا زمین و ماشین‌آلات رو بفروشی و بری تو کار سوداگري و بورس‌بازي، کارخونه رو ازت پس می‌گیریم... ما نباید مالکیت رو بدیم دست بخش خصوصي، فقط مدیریت رو باید واگذار کنیم، پشت این داستان خصوصي سازي، يه تبعيض ساختاريه که می‌خواد سردمدار اقتصاد کشور بشه، کاملاً هم به دولت و جناح‌ها وصلن، کارگرا و کارآفرين‌های بخش توليد هم بازنده اصلی این ماجرا هستن» (I-۱۵).

پیامدهای اجتماعی

خصوصي سازي فشار سنگيني را بر خانوارهای آسیب‌پذير وارد و بخش بیشتری از آنها را به زیر خط فقر منتقل می‌کند. این شرایط موجب می‌شود که خانوارهای آسیب‌دیده یا در معرض آسیب، برای سازگارسازی خود با شرایط جدید، دست به اقدامات و رفتارهایی بزنند تا افت درآمد و افزایش هزینه را جبران کنند. با توجه به تجربه‌های جهانی، این اقدامات سازگارساز در دو دسته راهبردهای مبتنی بر کار و راهبردهای مبتنی بر کاهش هزینه دسته‌بندی می‌شود. هریک از این اقدامات هرچند ممکن است برای مدتی کوتاه فشار اقتصادی بر خانوارهای فقیر را کاهش دهد، اما آثار زیان‌بار آن به صورت‌های مختلف از قبیل تغییر شیوه مصرف مواد غذایی توسط خانوارها، صرفه‌جویی در مخارج درمانی، بهداشتی، کاهش سطح سلامت جامعه، افزایش نوبت‌های کاری، اشتغال به کار کودکان، کاهش اوقات فراغت و آرامش خانواده‌ها، افزایش اختلافات خانوادگی، افزایش جرائم اجتماعی، کاهش دغدغه‌های اجتماعی، از بین رفتن همبستگی اجتماعی و به خطر افتادن امنیت اجتماعی پیش‌بینی می‌شود. روشن است که این اقدامات و پیامدهای آنان، وضعیت ناگوار و تحمل‌ناپذیری را برای کل جامعه به وجود می‌آورد (کریمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸).

است توسعه سرمایه‌داری الزاماً منجر به توسعه دموکراسی نمی‌شود و هیچ رابطه علی الزام‌آوری بین توسعه سرمایه‌داری و دموکراسی وجود ندارد. ذاکری (۱۴۰۰) بر این باور است که طی فرایند خصوصی‌سازی به‌جای تقویت دولت دموکراتیک نمایندگی‌کننده خیر عمومی، دولت کوچک تأمین‌کننده منافع اقلیت حاضر در ساختار قدرت شکل می‌گیرد. خصوصی‌سازی با خلع مالکیت از عموم مردم، به شکل‌گیری اقلیتی صاحب قدرت و ثروت و بیشتر فاسد و دارای منافع هم‌زمان در بخش خصوصی و ساختار قدرت دولتی می‌انجامد.

«یه روز صبح رفتیم اداره و گفتن یک لیست ۱۰۰ نفره رو دادن به منابع انسانی برای تسویه حساب. باورم نمی‌شد.. منم با ۱۲ سال سابقه کار جزء اون لیست بودم، مدیر منابع انسانی هم خیلی راحت گفت که ما شماها را نیروی مازاد تشخیص دادیم، کارفرما دیگه دولتی نیست و باید از جیب خرج کنه، نمی‌تونه شکم این تعداد کارگر رو سیر کنه، زورکی که نیست، نمیشه» (I-۲۲).

یکی دیگر از پیامدهای مهم خصوصی‌سازی، قدرت‌گیری افرادی است که به‌واسطه استحصال ثروت از این فرایند، توانسته‌اند سهم بیشتری از درآمدهای جامعه را به نفع خود مصادره کنند، آن هم بدون اینکه تغییر چندانی در تولید ملی کشور اتفاق افتاده باشد. این افراد به‌واسطه انحصار در بازار، گاهی به نظام مدیریتی کلان کشور نفوذ و خط‌مشی‌ها و رویکردهای اقتصادی را به نفع خود تنظیم می‌کنند. به دلیل اولویت‌داشتن منافع اقتصادی بر منافع ملی، امکان عقلانی‌کردن فرایند تولید و حفظ نیروهای کارآمد کاهش و نیز به دلیل تعدیل نیروی انسانی، فشار به بدنه دولت برای استقرار بیمه بیکاری بر بیکاران بنگاه‌های اقتصادی افزایش پیدا می‌کند و امکان بروز تنش‌های اجتماعی تشدید می‌یابد. ناآگاهی مدیران اقتصادی کشور به تجربه‌های جهانی خصوصی‌سازی، وجودداشتن یک الگوی جامع و سیستماتیک برای واگذاری و فقدان بخش خصوصی توانمند و مؤثر در کشور، موجب این پروسه خواهند بود که حاصل آن افزایش

وکنش سیاسی اقشار محروم و فاقد قدرت باور نداشته‌اند. اثربخشی خصوصی‌سازی زمانی آشکار می‌شود که بخشی از یک برنامه‌ی وسیع‌تر اصلاحات سیاسی-اقتصادی باشد که دولت با تضمین ایجاد محیط رقابتی، دموکراتیزه کردن ساخت سیاسی، شفافیت قوانین، افزایش کیفیت و حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط و بازسازی بنگاه‌های دولتی، قوانین مؤثری برای کاهش بی‌عدالتی و فساد تنظیم کند.

«تحقق اهداف خصوصی‌سازی به موقعیت اقتصاد بستگی دارد، آگه بازار نتونه کارایی داشته باشه، بی‌ثباتی و بی‌قانونی و پارتی‌بازی حکم‌فرما باشه و تو این شرایط حتی آگه به شکل مناسبی هم کارخونه‌ها رو واگذار کنیم، باز هم تغییری ایجاد نمیشه، چون تضمینی نیست که صاحبان جدید قدرت، انحصاری رفتار نکنن و ضد و بند نکنن» (I-۲۰).

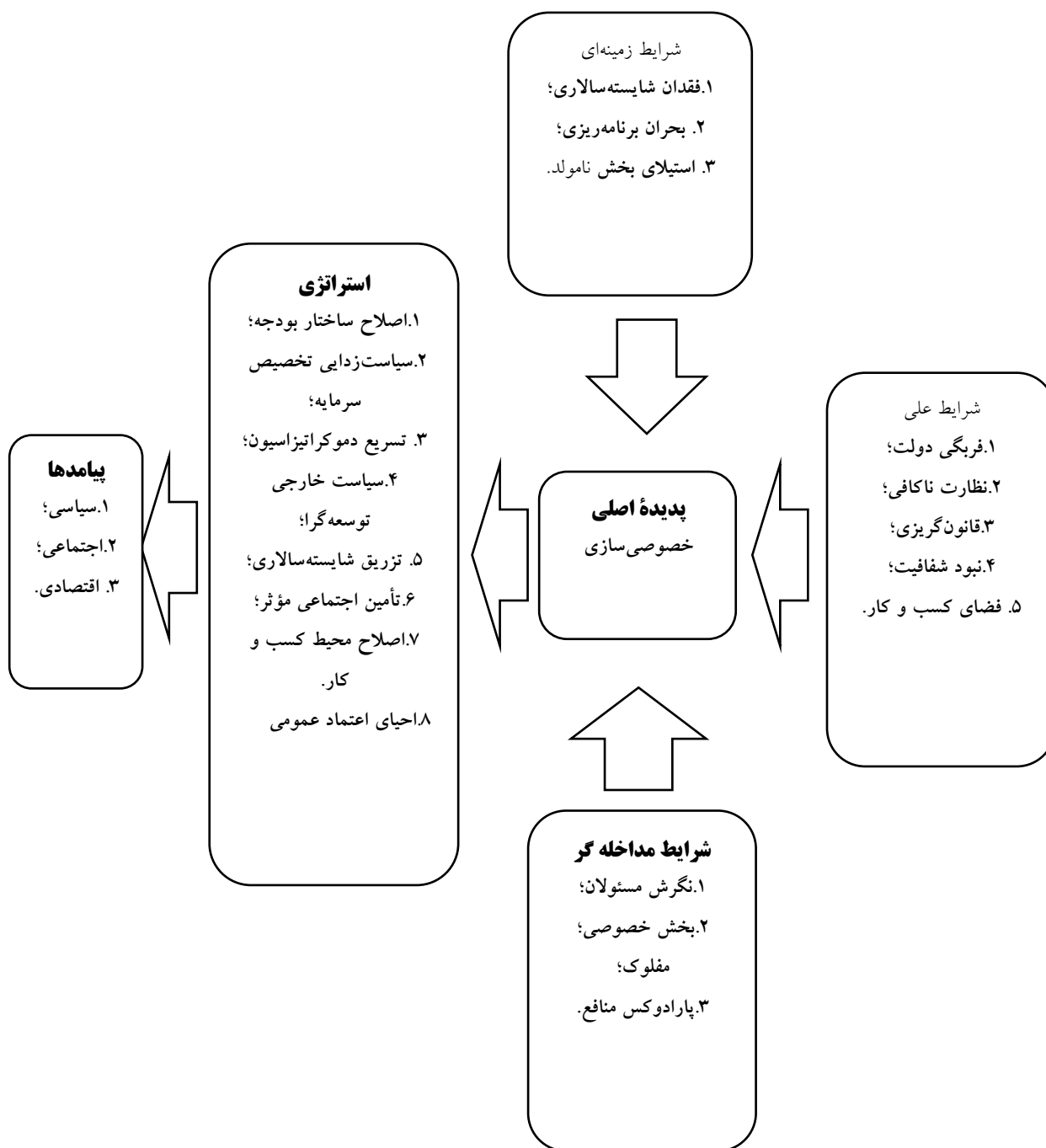
«تو کشورهای توسعه‌یافته با اون سطح از ثروت و سیستم حمایت اجتماعی و آزادی تشکل‌ها و سندیکا‌های کارگری، هر جا خصوصی‌سازی اتفاق افتاده، مردم و کارگرا ریختن کف خیابون و اعتراض کردن، افزایش نابرابری بین طبقات بالا و پایین یکی از پیامدهای خصوصی‌سازی، اینجا هم همینه» (I-۱۵).

«فقیر شدن کارگرا باعث میشه که تجربه‌های مشترکی از بی‌پولی، تبعیض و نادیده گرفته شدن رو داشته باشن، این تجارب کم‌کم تبدیل میشه به یک هویت سیاسی مشترک که دیگه واسه کسی تره خرد نمی‌کنه و دوس داره یک مسیر متفاوتی رو طی کنه.. رسانه‌های ضدانقلاب هم که از خداشونه این سوژه‌ها رو شکار کنن» (I-۱۹).

«بعد از اینکه چند تا از کارگرای شرکت رو تعدیل کردن، اینام مجبور شدن که از هر چند تا بچه‌شون، چند تا رو بفرستن مدرسه و بقیه رو بردن وردست خودشون.. چاره‌ای نیست.. شکم زن و بچه باید سیر بشه، نمیشه که بچه رو بفرستی مدرسه، ولی کیف و کفش نداشته باشه.. کارگرایی هم که موندن، به دستمزد پایین و کار زیاد قانع شدن، کارفرما به راحتی اخراج می‌کنه.. کسی هم که اعتراض می‌کنه، میگن ناراحتی برو، بیرون خبری نیست، بچه‌های اداره کار هم خدا بیش بچه‌های خوبین، ولی تا حدی می‌تونن مداخله کنن و بازگشت به کار بزین» (I-۶).

پیامدهای اقتصادی

نتایج بسیاری از پژوهش‌ها (Radić et al., 2021) بیانگر آن است که خصوصی‌سازی نه تنها تضمینی برای افزایش کارایی نیست، ابزاری است برای تحکیم سیادت اقتصادی-سیاسی حکومت‌های اقتدارگرایی که هیچ‌گاه به مشارکت عملی



شکل ۲- مدل پارادایمی نگرش ذی‌نفعان به تجربه خصوصی‌سازی در ایران

Fig 2- Paradigmatic model of stakeholders' attitude towards privatization experience in Iran

پدیده اصلی

در این بخش، مدل پارادایمی پژوهش به‌طور کامل تشریح می‌شود. در تحلیل پدیده اصلی (در بالاترین درجه انتزاع)، باید با نوشتن یک خط داستان (تم اصلی پژوهش)، بین مقولات محوری ارتباطی منطقی برقرار کنیم تا بتوانیم به درک

جامعی از پدیده دست‌یابیم. براساس مدل پارادایم تحقیق، روایت حول پدیده اصلی، یعنی مواجهه با خصوصی‌سازی پدید آمده است، موفقیت خصوصی‌سازی تحت شرایط خاصی انجام می‌شود که در سه دسته علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر طبقه‌بندی شده است. مؤلفه‌های شرایط علی

سنت‌های نظری در تقابل با رویکرد تقلیل‌گرایانه، تنها اقتصادی طرفدار بازار آزاد است که بدون در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی، از خود اصلاح‌گری دست‌نارمائی بازار سخن می‌رانند و ایجاد ساختارهای نهادی دموکراتیک و مشارکتی را بنیان رشد اقتصادی و لازمه‌ی موفقیت اجرای سیاست‌های اقتصادی می‌دانند. موفقیت یا ناکامی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، مشروط به عوامل متعددی از قبیل انسجام راهبرد توسعه، منابع موجود و بسیج این منابع، ماهیت نخبگان حاکم و میزان توافق بر چنین سیاست‌هایی در میان اعضای کلیدی آن، میزان پیوستگی و انسجام اجتماعی و ماهیت فضای بین‌المللی (فرصت‌ها و تهدیدها) است (لباشی، ۱۳۹۱: ۱۳۵). پاسخگویان نیز با تأکید بر مؤلفه‌هایی نظیر فریبگی دولت، نظارت ناکافی، قانون‌گریزی، نبود شفافیت و فضای نامناسب کسب و کار، شرایط علی مؤثر بر خصوصی‌سازی را توضیح دادند. این شرایط نهادی در طول زمان شکل می‌گیرد و بدون انجام اصلاحات تدریجی و بنیادین در این زمینه، امکان موفقیت خصوصی‌سازی وجود ندارد. نتایج حاصل از تحقیق با نتایج تحقیق‌های اسکندریون (۱۳۸۴)، ستاری (۱۳۸۹)، مؤمنی و حاجی نوری (۱۳۹۵)، غفاری و دیگران (۱۳۹۸)، استرین و پیلینتر (۲۰۱۸)، ریزنبرگ و همکاران^۱ (۲۰۱۹)، احمد و کوهن (۲۰۱۹) همخوانی داشت که خصوصی‌سازی در هر کشوری (با ویژگی‌های خاص فرهنگی، اجتماعی و سیاسی) الزاماً به رشد و توسعه اقتصادی، توسعه دموکراسی، افزایش رفاه اقتصادی و افزایش کارایی و عملکرد اقتصادی منجر نمی‌شود. مسئله‌محوری پاسخگویان در این پژوهش، بر لزوم سیاست‌گذاری براساس رویکرد چند وجهی توسعه مشارکتی و اجتماع‌محوری بود که بیش از تأکید بر رشد کمی ساختارها و امور رفاهی در یک جامعه، بر رشد کیفیت زندگی و افزایش توانمندسازی اعضای جامعه و ذی‌نفعان طرح‌های توسعه‌ای تأکید می‌کند. فرآیند توسعه اجتماعی، تنها مبتنی بر دستورالعمل‌های فنی، عینی و ملموس نیست، بلکه انعکاس ارزش‌ها و باورهای ایدئولوژیک نیز در

عبارت‌اند از فریبگی دولت، نظارت ناکافی، قانون‌گریزی، نبود شفافیت و فضای نامناسب کسب و کار. شرایط زمینه‌ای شامل فقدان شایسته‌سالاری در مدیریت، بحران برنامه‌ریزی و استیلای بخش نامولد است. شرایط مداخله‌گر نیز بر مقوله‌هایی نظیر نگرش اشتباه به خصوصی‌سازی، فلاکت بخش خصوصی و پارادوکس منافع تأکید می‌کند. استراتژی‌ها هم در دو بعد کلان و خرد تقسیم می‌شوند. استراتژی‌های کلان شامل اصلاح ساختار بودجه‌ریزی کشور، سیاست‌زدایی از فرآیند تخصیص سرمایه در اقتصاد، تسریع دموکراتیزاسیون و سیاست خارجی توسعه‌گراست و استراتژی‌های سطح خرد شامل تزریق شایسته‌سالاری، تأمین اجتماعی مؤثر، اصلاح محیط کسب و کار و احیای اعتماد عمومی را در بر می‌گیرد. پیامدها هم بر سه پیامد مهم سیاسی (گسل‌های اجتماعی و توسعه جامعه مدنی)، اجتماعی (آسیب‌های اجتماعی و استرس‌های شغلی) و اقتصادی (افزایش ضریب جینی، کارایی و سرمایه‌گذاری) تمرکز می‌کند.

بحث و نتیجه

در طول دو دهه گذشته و در واکنش به معضلات بنگاه‌های اقتصادی، روند خصوصی‌سازی در کشور رشد فزاینده‌ای به خود گرفت که همچون دیگر اقدامات توسعه‌ای، پیامدهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خاص خود را داشت. تعطیلی برخی بنگاه‌های اقتصادی کشور (هپکو و هفت‌تپه و ..)، نارضایتی جامعه کارگری کشور، اعتصابات کارگری، کاهش امنیت شغلی نیروی کار تعدیل‌شده و نیز نارضایتی فعالان اقتصادی کشور از نحوه عملیاتی‌سازی این سیاست، باعث شد که به تدریج درخواست‌هایی مبنی بر تجدیدنظر در شیوه پیاده‌سازی این سیاست در فضای عمومی جامعه شنیده شود. با تحلیل مقوله‌های برآمده از درک تجربه ذی‌نفعان از فرآیند خصوصی‌سازی در کشور، به ترسیم مدلی پارادایمی برآمده از یافته‌های تحقیق منجر شد که عموماً با نتیجه‌های سنت نهادگرایی در علم سیاست‌گذاری اقتصادی و رویکرد توسعه پایدار در جامعه‌شناسی توسعه همخوانی بیشتری دارد. این

¹ Reinsberg et al.

(استیگلیتز، ۱۳۸۴: ۴۳).

راه‌حل این مشکل، شکل‌گیری یک سیاست اجتماعی کاملاً متفاوت است که از طریق آن، خدمات اجتماعی از هر نوع، فارغ از رفتار افراد ذی‌نفع ارائه شود و از طریق آن بتوان خدمات را به‌گونه‌ای شکل داد که حالت اعطای موهبت نداشته باشد، بلکه حقوق طبیعی باشند که رعایت می‌شوند. تنها از این طریق از سیاست اجتماعی به‌عنوان ابزار توسعه و همبستگی اجتماعی استفاده می‌شود که برابری و مساوات نیز مبنای کار باشد (رمضان، ۱۳۹۱: ۱۲۵). مطالعه عوامل مؤثر بر خصوصی‌سازی و همچنین پیامدهای سیاسی و اجتماعی‌اش، زمینه کنترل این اعتراضات خیابانی را در آینده امکان‌پذیر می‌کند. از سوی دیگر ضروری است که نحوه اعمال تکنیک‌های مدیریت بحران، سطح تعامل با معتمدان محلی، کیفیت حضور تشکل‌های مدنی، الزام سازمان خصوصی‌سازی به انجام ارزیابی تأثیرات اجتماعی-فرهنگی (اتاف) در تمامی مراحل خصوصی‌سازی از ارزیابی تا اجرا، الزام به حضور نماینده مطلع و ذی‌صلاح کارگران در جلسات واگذاری بنگاه‌های اقتصادی، تصویب بسته جامع حمایت از کارگران تعدیل‌شده (تسهیلات اشتغال‌زایی، تور حمایتی تأمین اجتماعی، برقراری بیمه بیکاری، طرح مهارت‌افزایی کارگران، اولویت قرار دادن کارگران تعدیل‌شده در معرفی به بنگاه‌های دیگر، افزایش شفافیت روند خصوصی‌سازی از طریق استفاده حداکثری از ظرفیت نهادهای جامعه مدنی نظیر تشکل‌های مردم‌نهاد، روزنامه‌نگاران، معتمدان محلی و .. برای نظارت بر حسن عملکرد در فرایند خصوصی‌سازی و مواردی از این دست، بررسی و کنکاش شود.

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش در تهران انجام گرفت و در صورت بررسی همین پژوهش در دیگر شهرها و مناطق کشور، ممکن است نتایج متفاوتی به دست آید. بنابراین در صورت نیاز به تعمیم به کل کشور، باید این کار با احتیاط و دانش کافی انجام شود.

این پژوهش به‌دلیل کیفی بودن تنها عوامل ناکامی

مدلی تعاملی بین فرادستان اجتماعی و کارگزاران راهبردهای عملی به‌منظور توسعه اجتماعی نقش مهمی دارند (Midgley, 2015: 54). اسپواک^۱ (۱۳۹۷) خاطر نشان می‌کند که گفتمان مسلط، صدای فرودستان را چنان به حاشیه می‌راند و خاموش می‌کند که فضای مفهومی برای حرف‌زدن و شنیده‌شدن برای آنها باقی نمی‌ماند، مگر آنکه وضعیتشان را به‌عنوان وضعیتی منطقی و عادی بپذیرند؛ یعنی به تعبیر اسپواک (۱۳۹۷)، همان چیزی را بپذیرند که گفتمان مسلط می‌خواهد. در این باره باید پرسید که چه منافع یا منافع چه کسانی، قدرت را بی‌میل به شنیدن صدای حاشیه‌ای‌ها می‌کند و چه جریان‌های فکری به این نادیده‌انگاری دامن می‌زنند؟ هیرشمن (۱۳۹۱) در کتاب *خطابه ارتجاع*، انحراف، بیهودگی، مخاطره، فقدان ارتباط و گفت‌وگوی سیستماتیک میان گروه‌های مختلف شهروندان، مثل لیبرال‌ها و محافظه‌کاران یا ترقی‌خواهان و مرتجعان را نقد می‌کند و معتقد است دیوار بلندی بین این گروه‌ها وجود دارد که به سطوح دیگری از جمله فقدان گفت‌وگوی سیستماتیک میان کارگران، کارفرمایان، سیاست‌گذاران و غیره تعمیم می‌یابد.

نتایج تحقیق هم‌راستا با نتایج تحقیق ذاکری (۱۴۰۰) است و نشان داد که فرایند خصوصی در بیشتر مواقع به قدرت‌گیری اقلیت صاحب قدرتی در ساختار و سلسله‌مراتب اقتصاد سیاسی جامعه منجر می‌شود که به‌عنوان مالکان شرکت‌های واگذارشده، منافع خود را در گرو حفظ انحصارها و تداوم وضع کنونی می‌دانند و قاعداً هر گونه حرکت در مسیر پیشرفت فرآیندهای دموکراتیزاسیون، نظیر حق آزادی احزاب و تشکل‌های مستقل، افزایش نظارت و شفافیت و نیز بهینه‌سازی سیاست‌های اخذ مالیات در تقابل با منافع طبقاتی این اقلیت است.

برآیند سیاست‌های تحت تفاهم واشنگتن بیشتر این بوده است که تعداد کمی به هزینه بسیاری دیگر و عموماً طبقات مرفه به هزینه فقرا، منتفع شده‌اند. در بسیاری از موارد، منافع و ارزش‌های بازرگانی بر نگرانی‌های زیست‌محیطی، مردم‌سالاری، حقوق بشر و عدالت اجتماعی چربیده است

^۱ Spivak

خصوصی‌سازی را شناسایی کرده و ضریب اهمیت این موانع در پژوهش مشخص نشده است؛ برخی مدیران دولتی به دلیل حساسیت جایگاه شغلی خود، تمایلی به بیان علنی و مستقیم تجارب خود نداشتند و از ضبط مستقیم صدای خود پرهیز کردند؛ حضور نیافتن زنان در بین مصاحبه‌شوندگان، یکی از مهم‌ترین مشکلات این تحقیق بود. حضور کم‌رنگ زنان در اقتصاد، بازتاب خود را در سهم اندک آنان در ساختار مدیریتی کشور و فضای کارآفرینی و نیز بالتبع آن در محیط‌های کارگری نشان می‌دهد. فقدان روایت تجربه‌های زنان از خصوصی‌سازی در محیط کار و تولید، یکی از مهم‌ترین مشکلات این تحقیق بود؛

این پژوهش از لحاظ زمانی به شکل مقطعی انجام شده است که این امر، تعمیم یافته‌های تحقیق را با محدودیت مواجه می‌کند؛ این مطالعه در یک جامعه آماری معین و محدود انجام شده است؛ بنابراین باید در تعمیم نتایج دقت بیشتری شود؛ برش‌های قومی و استانی در این تحقیق ملاحظه نشده است. روایت هر استان و هر زیست‌بوم محلی و سیاست‌های بازخوردی فعالان سیاسی - کارگری آنان در مواجهه با منطق خودبنیاد سرمایه و خصوصی‌سازی در این تحقیق اغفال شد.

پیشنادهای پژوهشی

بررسی تطبیقی-تاریخی تأثیر خصوصی‌سازی در ایران و کشورهای منتخبی که بیشترین شباهت را از نظر شاخص‌های اقتصادی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی با ایران دارند (مثلاً کشورهای منطقه‌ی منا)؛ بررسی تطبیقی عملکرد خصوصی‌سازی به تفکیک شاخه‌های مختلف اقتصادی کشور (صنعت، کشاورزی و خدمات)؛ بررسی تطبیقی عملکرد خصوصی‌سازی در دوره‌های تاریخی گوناگون کشور (قبل و بعد از انقلاب)؛ مرور نظام‌مند پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه

خصوصی‌سازی در سه دهه اخیر؛ فراتحلیل تأثیر خصوصی‌سازی بر سودآوری شرکت‌های خصوصی‌شده در آیین پژوهش‌های انجام‌شده در داخل و خارج کشور؛ ارزیابی تأثیرات اجتماعی فرهنگی (اتاف) پروژه‌های توسعه‌ای مرتبط با خصوصی‌سازی؛ بررسی تأثیر خصوصی‌سازی بر سیاست‌های تهی‌دستان شهری (اعتراض، مقاومت یا انفعال)؛ آینده‌پژوهی روند خصوصی‌سازی در ایران مبتنی بر سناریونویسی و تحلیل پیشران.

منابع فارسی

- اسپیواک، گ. (۱۳۹۷). آیا فرودست می‌تواند سخن بگوید؟ (ترجمه ایوب کریمی)، تهران: فلات.
- استیگلیتز، ج. (۱۳۸۴). جهانی‌سازی و مسائل آن (ترجمه حسن گلریز)، تهران: نشر.
- اسکندریون، ب. (۱۳۸۴). تأثیر سیاست‌های مقررات‌زدایی و آزادسازی بر کارایی و دموکراسی؛ مطالعه تطبیقی در بخش برق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- اسمیت، ت. (۱۳۹۱). جهانی‌سازی (ترجمه فروغ اسدپور)، تهران: اختران.
- امیدی، م. (۱۳۹۹). کارنامه نئولیبرالیسم در ایران: خصوصی‌سازی در آیین پژوهش، تهران: گل آذین.
- اوانز، پ. (۱۳۸۰). توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی (ترجمه عباس مخبر)، تهران: طرح نو.
- آیت، م. (۱۴۰۰). خصوصی‌سازی در ایران: روایتی عبرت‌آموز مبتنی بر راه حل خروج. فرایند مدیریت و توسعه، ۱۴(۲)، ۱۷۴-۱۰۵۲۵۴۷/jmdp.34.2.174.
- پرزورسکی، آ. (۱۳۸۴). دموکراسی و توسعه نهادهای سیاسی و بهزیستی در جهان: ۱۹۹۰-۱۹۵۰ (ترجمه جعفر خیرخواهان)، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- ذاکری، ع.ر. (۱۴۰۰). خصوصی‌سازی دارایی‌های دولت در ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۹). جامعه‌شناسی تاریخی، ۱۳(۲)، ۱۷۶-۱۳۹.

20.1001.1.23221941.1400.13.2.7.8

رمضان، م.ب. (۱۳۹۱). سیاست اجتماعی و توسعه تونس از زمان استقلال: دورنمای سیاسی، در کتاب سیاست اجتماعی در خاورمیانه، مسعود کارشناس و والتین مقدم (ترجمه پیمان جبلی و علی اکبر تاج مزینانی)، تهران: دانشگاه امام صادق.

ستاری، س. (۱۳۸۹). اقتصاد سیاسی خصوصی سازی در ایران معاصر: پژوهشی در ماهیت و علل اقتصاد سیاسی توسعه نیافتگی خصوصی سازی در دوره پهلوی دوم و جمهوری اسلامی و تأثیر آن بر روند توسعه ایران، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

شاه منصور، س. (۱۴۰۰). آمار عملکرد سالانه ارزش واگذاری سهام و دارایی بنگاه‌های مضمول واگذاری، تهران: سازمان خصوصی سازی.

عظیمی، آ؛ علی اصغریور، ع؛ راغفر، ح. و منوریان، ع. (۱۳۹۸). شکست در درس آموزی از خط مشی؛ روایت نقادانه تجربه خصوصی سازی در ایران. بهبود مدیریت، ۱۳(۳)، ۲۰-۳۹.

غفاری، م؛ صادقی صدقل، ح. و باشد جهرمی، ه. (۱۳۹۸). تأثیر دولت رانتیر بر فرایند خصوصی سازی؛ مطالعه موردی ایران بعد از انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۹۷). مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، ۹(۳۰)، ۶۹-۹۱.

فلیک، ا. (۱۴۰۱). درآمدی بر تحقیق کیفی (ترجمه هادی جلیلی)، تهران: نی.

فون هایک، ف. (۱۳۹۰). راه بردگی (ترجمه فریدون تفضلی و حمید پاداش)، تهران: نشر نگاه معاصر.

قریشی خوراسگانی، م؛ یمنی دوزی سرخابی، م؛ ذاکر صالحی، غ. و گلنار، م. (۱۳۹۶). تحلیل محتوای مقالات حوزه خصوصی سازی آموزش عالی در مجلات علمی کشور. سیاست علم و فناوری، ۹(۳)، ۹۵-
<https://www.sid.ir/paper/132918/fa61>

کریمی، م؛ ریاضی، م. و موسوی خطاط، م. (۱۳۸۸). آثار

اجتماعی هدفمندسازی یارانه‌ها و راهکارهای پیشنهادی، تهران: دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس.
<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/797980>
لیاشی، ع. (۱۳۹۱). الجزایر: پیامدهای بحران‌ها، مراحل گذار و سیاست اجتماعی، تهران: دانشگاه.

مالجو، م. (۱۳۹۴). کوچک سازی دولت در اقتصاد ایران: منطق حقیقت یا خطابه قدرت. گفت‌وگو، ۱(۴۵)، ۲۵-۴۸.
مساعده، م. (۱۳۹۷/۱۰/۱۶). زمستان خصوصی سازی. روزنامه شرق، شماره ۳۳۳۵،
<https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-763055>
مقیمی، م. (۱۳۹۴). مبانی سازمان و مدیریت، تهران: انتشارات راه‌دان.

مؤمنی، ف. و حاجی میرزایی، ش. (۱۳۹۵). اقتصاد سیاسی خصوصی سازی همراه با فساد. پژوهش‌نامه اقتصادی، ۱(۶۷)، ۲۵۲-۲۲۱.

https://joer.atu.ac.ir/article_8568.html
مهرانی، س. و تالانه، ع. (۱۳۷۷). تقسیم سود در شرکت‌ها. ماهنامه حسابداری، ۱۲(۱۲۵)، ۲۵-۳۶.

<https://www.sid.ir/paper/442089/fa>
نصیری خلیلی، ع.ا؛ بهنیافر، ا.ر. و پورقصاب امیری، ع. (۱۳۹۹). بررسی ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت قانون در توسعه فراگیر. علوم سیاسی، ۱(۵۲)، ۹۷-۱۱۷.
<https://sanad.iau.ir/journal/psq/Article/677575?jid=677575>
هیرشمن، آ. (۱۳۹۱). خطابه ارتجاع: انحراف، بیهودگی، مخاطره (ترجمه محمد مالجو)، تهران: شیرازه کتاب ما.

References

- Ahmed, H., & Cohen, D.A. (2019). Stakeholder attributes and attitudes during privatisation: a New Zealand case study. *International Journal of Public Sector Management*, 32(2), 157-174. https://e-tarjome.com/storage/panel/fileuploads/2019-08-29/1567072316_E13242-e-tarjome.pdf
- Alston, P. (2018). *Extreme poverty and human right*. United Nations. <https://digitallibrary.un.org/record/1648309?ln=en&v=pdf>
- Arocena, P., & Oliveros, D. (2012). The efficiency of state-owned and privatized firms: does ownership make a difference?. *International Journal of Production Economics*, 140(1), 457-465. <https://doi.org/10.1016/j.ijpe.2012.06.029>
- Ayat, M. (2021). Privatization in Iran: A warning



- the revolution (1978-2018). *Strategic Studies of Public Policy*, D 9, 30, 69-91. [In Persian].
- Hayek, F. A. (1960). *Why i am not a conservative*. University of Chicago Press.
- Hirschman, A. (2012) *The speech of reaction: deviation, futility, danger*. translated by Mohammad Maljo, Tehran: Shiraze Kitab Ma. [In Persian].
- Huntington, S. P. (1965). Political development and political decay. *World Politics*, 17(3), 386-430. <https://doi.org/10.2307/2009286>
- Karimi, M., Ariati, M., & Mousavi Khahatat, M. (2009). *The social effects of targeting subsidies and pproposed solutions*. Majlis Research Center, 34-56. [In Persian].
- ILO. (2015). *World employment and social outlook-trends 2015*. www.Ilo.com. https://www.ilo.org/sites/default/files/wcmsp5/groups/public/@dgreports/@dcomm/@publ/documents/publication/wcms_795453.pdf
- Letza, S.R., Smallman, C., & Sun, X. (2004). Reframing privatisation: deconstructing the myth of efficiency. *Policy Sciences*, 37(2), 159-183. <https://link.springer.com/article/10.1023/B:OLIC.0000048530.30139.98>
- Liashi, A. (2011) *Algeria: consequences of crises*. Transition stages and social policy, Tehran: University. [In Persian].
- Lipset, S.M. (1989). *Democracy in developing countries, Vol. 3: Asia*. Lynne Rienner Publishers. https://www.rienner.com/title/Democracy_in_Developing_Countries_Volume_3_Asia
- Maljo, M. (2014). Government miniaturization in Iran's economy: The logic of truth or the rhetoric of power. *Diaspora Magazine*, D 1, 45, 25-48. [In Persian].
- Mehrani, S., & Talane, A. (1998). Profit sharing in companies. *Hesabdar's Monthly*, 12(125), 25-36. [In Persian].
- Megginson, W. L., & Netter, J. M. (2001). From state to market: A survey of empirical studies on privatization. *Journal of Economic Literature*, 2(39), 321-389. DOI: 10.1257/jel.39.2.321
- Megginson, W. L. (2017). *Privatization trends and major deals in 2015 and 2016 a publication of the privatization barometer*. The PB Report. <https://assets.kpmg.com/content/dam/kpmg/it/pdf/2017/01/ThePBReport2015-2016.pdf>
- Midgley, J. (2015). *Social development: Theory and practice*. Sage. <https://sk.sagepub.com/books/social-development-theory-and-practice>
- Moghimi, M. (2014) *Fundamentals of Organization and management*, Tehran, Rahdan Publications. [In Persian].
- Momeni, F., & Hajinoroozi, S. (2017). Political economy of privatization with corruption. *Economics Research*, 17(67), 221-252. [In Persian]. doi: 10.22054/joer.2018.8568.
- Mosead, M. (2017) *Winter of privatization*. Shargh Newspaper No. 3335. [In Persian].
- Muogbo, U. S. (2013). Impact of privatization on lesson to learn to avoid crises. *Management and Development Process*, 34 (2), 174-215. [In Persian].
- Azimi, A., Asgharpour, A., Raghofer, H., & Manourian, A. (2018) Failure to learn from the policy; Critical narrative of privatization experience in Iran. *Management Improvement Journal*, 13(3), 20-39. [In Persian].
- Carspecken, F. P. (1996). *Critical ethnography in educational research: A theoretical and practical guide*. Routledge. <https://www.routledge.com/Critical-Ethnography-in-Educational-Research-A-Theoretical-and-Practical-Guide/Carspecken/p/book/9780415904933>
- Carter, M. Z. (2013). Privatization: A multi-theory perspective. *Journal of Management Policy and Practice*, 14(2), 108-120. http://www.na-businesspress.com/JMPP/CarterMZ_Web14_2_.pdf
- Colombatto, E., & Tavormina, V. (2017). The origins of private property. *IEL Paper in Comparative Analysis of Institutions, Economics and Law*, 2(24), 1-23. <https://econpapers.repec.org/paper/ucaucaiel/24.htm>
- Corbin J., & Strauss A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Sage. https://www.researchgate.net/publication/247720888_Book_Review_Corbin_J_Strauss_A_2008_Basics_of_Qualitative_Research_Techniques_and_Procedures_for_Developing_Grounded_Theory_3rd_ed_Thousand_Oaks_CA_Sage
- Diefenbach, T. (2009). New public management in public sector organizations: The dark sides of managerialistic 'enlightenment'. *Public Administration*, 87(4), 892-909. DOI:10.1111/j.1467-9299.2009.01766.x
- Durbin, A. (2012). *Essential of management*. Mason, cengage Learning. https://books.google.com/books/about/Essentials_of_Management.html?id=1aBXAAAAAYAAJ
- Eskandaryon, B. (2005). *The impact of deregulation and liberalization policies on efficiency and democracy; A comparative study in the electricity sector*. Master's Thesis, University of Tehran. [In Persian].
- Estrin, P., & Pelletier, A. (2018). Privatization in developing countries: what are the lessons of recent experience?. *The World Bank Research Observer*, 33(1), 65-102. <https://doi.org/10.1093/wbro/lkx007>
- Evans, P. (2001). *Development or robbery: The role of the government in industrial transformation*. translated by Abbas Mokhber, Tehran: New Plan. [In Persian].
- Flick, A. (2022) *An introduction to qualitative research*. translated by Hadi Jalili, Tehran: Nay. [In Persian].
- Glaser, B., & Strauss, A. (1967). *Strategies for qualitative research*. New Brunswick (U.S.A.) and London (U.K.). http://www.sxf.uevora.pt/wp-content/uploads/2013/03/Glaser_1967.pdf
- Ghaffari, M., Sadeghi Saqdel, H., & BeJahrami, H. (2018). The influence of the rentier government on the privatization process, A case study of Iran after

- (2019). The world system and the hollowing out of state capacity: How structural adjustment programs affect bureaucratic quality in developing countries. *American Journal of Sociology*, 124(4), 1222-1257. <http://dx.doi.org/10.1086/701703>
- Rostow, W.W. (1960). *The stages of economic growth: A non-communist manifesto*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511625824>
- Rueschemeyer, D., Stephens, E., & Stephens, J. (1991). *Capitalist development and democracy*. University of Chicago Press. <http://dx.doi.org/10.2307/2074523>
- Sattari, S. (2010). *Political economy of privatization in contemporary Iran: A research on the nature and political economy causes of underdevelopment of privatization in the second pahlavi period and the Islamic Republic and its impact on Iran's development process*. University of Tehran: Doctoral Dissertation. [In Persian].
- Seifret. B., Gonence, H., & Wright, J. (2004). The international Evidence on performance and equity ownership by insiders blockholders, and institutions. *J. of Multi Fin Manage*, 2(15), 171-191. <https://doi.org/10.1016/j.mulfin.2004.08.003>
- Shahmansori, S. (2021). *Annual performance statistics of the transfer value of shares and assets of companies subject to transfer*. Tehran: Privatization Organization. [In Persian].
- Smircich, L., & Stubbart, C. (1985). Management in an enacted world. *Academy of Management Review*, 10, 724-736. <https://doi.org/10.2307/258041>
- Smith, T. (2012). *Globalization*. Translated by Forogh Asad Poor. Tehran: Akhtaran. [In Persian].
- Spivak, G. (2018) *Can the Subaltern Speak?*. Translated by Ayob Karimi. Tehran: Falat. [In Persian].
- Stiglitz, J. (2005). *Globalization and its discontents*. Translated by Hassan Golriz. Tehran: Nashr. [In Persian].
- Vadiei, H.M., Ghobadi Seyfi, H., & Bagherpour Velashani, A.M. (2016). Effects of privatization. *Journal of Knowledge Accounting*, 7(25), 59-78. <https://www.magiran.com/paper/1577726/effects-of-privatization-on-accounting-restatements?lang=en>
- Von Hayek. F. (2011). *The road of serfdom*. Translated by Fereydoun Tafzali and Hamid Fargar, Tehran: Negah Masazer publishing house. [In Persian].
- Xing, M., & Tan, T. (2021). Environmental attitudes and impacts of privatization on R&D, environment and welfare in a mixed duopoly. *Economic Research*, 34(1), 807-827. <https://doi.org/10.1080/1331677X.2020.1804968>
- Zakari, A.R. (2021). Privatization of government assets in Iran (1989-2020). *Journal of Historical Sociology*, 13(2), 139-176. [In Persian].
- corporate performance: A study of selected industries in Nigeria. *International Journal of Humanities and Social Science Invention*, 2(7), 81-89. [http://www.ijhssi.org/papers/v2\(7\)/Version-1/K0271081089.pdf](http://www.ijhssi.org/papers/v2(7)/Version-1/K0271081089.pdf)
- Nasiri Khalili, A. A., & Behniafar, A. R. (2020). Investigating the dimensions and components of the rule of law in inclusive development and its political consequences. *Political Science Quarterly*, 16(52), 97-117. [In Persian]. <https://sanad.iau.ir/journal/psq/Article/677575?jid=677575>
- Neheri, O. (2012). Economic reforms, corporate governance and privatization methods as determinants in performance changes of new privatized firms: The case of MENA countries. *J Manag Gov*, 1(18), 95-127. DOI: 10.1007/s10997-012-9222-9
- North, D. C. (2003). *Understanding the process of economic change*. From Series on the Role of Washington University. Institutions in Promoting Economic Growth. https://pdf.usaid.gov/pdf_docs/pnacx402.pdf
- Nozick, R. (2013). *Anarchy, state and utopia*. Basic Books; Reprint edition (November 12, 2013). <https://www.amazon.com/Anarchy-State-Utopia-Robert-Nozick/dp/0465051006>
- Omidi, M. (2019). *The record of neoliberalism in Iran: Privatization in the mirror of research*. Tehran: Gol Azin. [In Persian].
- Omoleke, I. I., Salawu, B., & Hassan, A. O. (2011). An examination of privatization policy and foreign direct investments in Nigeria. *African Journal of Political Science and International Relations*, 5(2), 72. <https://scholar.oauife.edu.ng/omosaq/publications/examination-privatization-policy-and-foreign-direct-investments-nigeria>
- Radić, M., Ravasi, D., & Munir, K. (2021). Privatization: Implications of a shift from state to private ownership. *Journal of Management*, 47(6), 1596-1629. <http://dx.doi.org/10.1177/0149206320988356>
- Ramadan, M.B. (2011). *Social policy and the development of Tunisia since independence: a political perspective, in the book Social Policy in the Middle East*, Massoud Karshanas and Valentin Moghadam, translated by Peyman Jabali and Ali Akbar Taj Mezinani, Tehran: Imam Sadegh University. [In Persian].
- Perzorski, A. (2005) *Democracy and development of political institutions and welfare in the world: 1950-1990*. translated by Jafar Khairkahan. Tehran: Organization of Management and Planning of the country. [In Persian].
- Qureshi Khorasgani, M., Yemeni Dozi Sarkhabi, M., Zakir Salehi, G., & Gulnar, M. (2016). Analysis of the content of articles in the field of privatization of higher education in the country's scientific journals. *Science and Technology Policy*, 9(3), 61-95. [In Persian]. 20.1001.1.20080840.1396.10.3.6.9
- Reinsberg, B., Kentikelenis, A., & Stubbs King, L.